



قیاده موقت

جماق امیربالیسم و ارتجاع در کردستان

سازمان بزرگمائی فدائی خلق ایران - شانزده گزستان

نگاهی به تاریخچه فزاینده موقت یکی از عوامل اجرای سیاستهای

امپریالیسم



جنینش یکبارچه خلقهای مآرز میهن با هر چند منجر به قیام شکوهضدی شد که خاندان پهلوسی را پس از ۷۵ سال دیکتاتوری ، سرنگون کرد ولی بهیروزی - نهائی ، یعنی قطع کامل ریشههای امپریالیسم دست نیافت . شاه این دیکتاتوری سرسپرده آمریکا سرنگون شد ، اما پایههای نظام وابستگی ، یعنی ساخت اقتصادی سازمانها و ارکان اصلی ناشی از این ساخت نه تنها از هم نپاشید ، بلکه میبود که باردیگر بازسازی و احیا گردد . اکثریت قراردادهای اقتصادی استعماری به سان سابق حفظ شد ، صنایع وابسته هر چند تعدادی از صاحبان خود را از دست داد ولی از نظر وابستگی تولیدی ، تغییر نی کرد . ارتش منهای اعدام و از نشسته کردن تعدادی تیسار ، با همان سازمان بندی قبلی بازسازی و احیا شد . ساواک تلاشی شد ، ولی با پخش باقیمانده افراد آن در میان کمیتهها و سازمانهای دولتی در سراسر کشور ، امکان عمل رادشکنی دیگر تا حدود زیادی حفظ نمود .

در واقع امپریالیسم ، پس از ضربه‌ای که از قیام خورد ، بود توانست از دو طریق بار دیگر سلطه خود را بر وجه اقتصادی و در زمینه سیاسی و اجتماعی تحکیم بخشد . یکی از طریق سازش مبتنی بر عقب نشینی های تاکتیکی و دیگری از طریق اجرای سیاست های پیش پوسیله عمال وابسته و سرسپردگان خود . پس از قیام تاکنون طنا هفت فجایع بسیار و جنگهای اسف باری بودیم که ناشی از توطئهها و دسیسهها و تفرقه افکنی های همین جاسوسان و عوامل سرسپرده امپریالیسم میشد . مرتجعین سرسپرده ، سرمایه داران وابسته و عوامل

بعلمت قدرت نظامی برترانگیس و عراق عشایر بارزانی و افراد حزب هیوا شکست
 خورده و هائیران آمدند و به جمهوری مهاباد برهبری قاضی محمد پیوستند .
 پس از شکست حکومت مهاباد در سال ۲۵ افراد بارزانی اکثر " بشرووی رفتند
 مدتی در کشورهای اروپای شرقی آموزشهای سیاسی و نظامی فراگرفتند و حتمس
 عدهای از آنها در جنگ سلت ۱۹۵۲ که داوطلبانه شرکت نمودند .
 حزب دموکرات کردستان عراق (پارتی دموکرات . . .) در سال ۱۳۲۶ -
 (۱۹۴۷ میلادی) در پی مبارزه و تلاش روشنفکران کرد عراق ، موجودیت خود را اعلام
 کرد . این حزب طی سالهای ۲۶-۳۷ با فعالیتهای خود ، توانست در میان
 بخشهایی از مردم کرد پایههای محکمی بدست آورد . با کودتای ضد امپریالیستی
 قاسم در ژوئیه ۱۹۵۸ در سیاستهای دولت عراق تغییرات جدی بعمل آمد و
 اقدامات دموکراتیک به مرحله اجرا درآمد . در پی این اقدامات تبعیدیهای
 عراق ، از جمله ملاصطفی بارزانی به عراق بازگشتند .
 طی از آنجا که دولت مرکزی عراق با (ماهیت بورژوازی) بعقل اقتصادی و سیاسی
 (که در اینجا مورد بحث مائیت) قادر نبود خواستههای خلق کرد عراق را بر آورد
 کند ، اجباراً بین کردها و دولت مرکزی اختلافاتی بروز کرد که منجر به رودررویی
 گردید . در همین حال ، حزب دموکرات عراق که تنها حزب سیاسی فعال در میان
 مردم کرد بود ، بارزانی را به رهبری افتخاری حزب برگزید . از آنجا که بارزانی
 رئیس یکی از طوایف بزرگ کرد بود ، با خصلت و خواستههای فئودالهای خود ،
 حزب را همچون طایفه‌ای در کنترل کامل خود گرفت و اعمال قدرت فردی حزب را
 دقیقاً در حیطه ضایع و گرایشات خودش رهبری کرد .
 عدهای از روشنفکران مبارز حزب که رهبری فردی و موضع ضد خلقی بارزانی مورد

تأییدشان نبود، از حزب خارج شدند. در نتیجه حزب تماماً در کنترل فتووالها
بخصوص بطور مطلق در نتیجه ملاحظاتی قرار گرفت.

از طرفی اختلافهای بین خلق کرد دولت مرکزی روز بروز شدت می یافت و
امیرالایسم که با کودتای قاسم منافعی بخطر افتاده بود، از این موقعیت استفاده
کرد و از طریق فتووالها و ملاحظاتی نفوذش را در کردستان عراق تحکیم بخشید.
امیرالایسم آمریکا از طریق رژیم های مزدور در منطقه و عمدتاً رژیم سرسپرده و خائن
شاه ایران، توسط ساواک در درون جنبش کرد عراق نفوذ کرد و حمایت از
فتووالهای کرد و کمک، تسلیحاتی، بیمارستانی، ابتکار عمل را در کردستان عراق به
دست گرفت.

امیرالایسم با کمکهای تسلیحاتی که از طریق ایران به بارزانی میکرد توانست ملاً
را و از طریق او جنبش کرد را کاملاً وابسته بخود کند.

این وابستگی به چنان حدی رسید که امیرالایسم میتواند به راحتی با قطع
کلیک و یادادن کلیک، بارزانی را چنین مهرهای بهر طرفی که میخواهد بچرخاند.
بدین ترتیب بود که بارزانی در امان امیرالایسم، نظرات و سیاستهای ساواک
جاسوسی، سیارایک بیک در کردستان پیاده کرد. از یک طرف فتووالهای کرد را
مشکل کرد و از طرف دیگر دهقانان زحمتکش را که نیروی اصلی جنبش بودند
تحت فشار قرار داد. ملاحظاتی که از توده های زحمتکش فاصله میگرفت، بهمان
نسبت نیز به آمریکا و ساواک زمان جاسوسی سیانژیک، ترمیمند.

سوسپردگی بارزانی به آمریکا به چنان درجه ای رسید که در یکی از مصاحبه های
خود، صراحتاً اعلام کرد که حاضر است امتیاز بخشی از نفت شمال را به آمریکا
واگذار کند و هدفهایش با دولت اسرائیل که بر ضد اعراب می جنگد یکی است.

در سال ۱۳۵۱ قدرت اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی عراق تا حد و زیادی تضعیف شده بود، امپریالیسم آمریکا، شرایط را برای گرفتن امتیازات، مناسب یافت. ارتش ضد خلقی رژیم منقر شاه را به کمک کارشناسان خودش به میدان کشید و در جنگی که راه انداخت، دولت عراق را در سال ۱۳۵۴ وادار کرد طی موافقتنامه‌ای، ظاهراً "به خواستهای دولت ایران و عمدتاً" به خواسته‌های امپریالیسم آمریکا. عملاً "معاطه‌ای صورت گرفت که نتیجه آن قربانی کردن خلق کرد بود. و بدین ترتیب نتیجه خیانت‌های بیکران بارزانی نمایان شده سرانجام مصطفی بارزانی در پناه شاه به ویلای عظیمیه کرج نقل مکان نمود و صد‌ها هزار آواره کرد را در سیاهانهای ایران و در دامن رژیم جلا و سوسپرده شاه رها کرد. کیهان هوایی ۵۴/۲/۲۰ (۱۹۷۵ هـ. ق) بارزانی پس از شکست در جنگ عراق و توافق شاه و صدام حسین در محاصره‌ای گفت:

"هرگز به اندازه امروز احساس تند رستی و آرامش نکردم. فکر نمی‌کنم هرگز به عراق برگردم... قبلاً هیچ اطلاعی از توافق ایران و عراق در الجزایر نداشتم. اما از این توافق پشتیبانی میکنم زیرا اصلاح ملت ایران را در بر دارد. هر چه خیر ایران را به همراه داشته باشد مورد موافقت همه کرده‌است. در جریان یک سال نبرد، هیچ کشوری جز ایران به کردها کمک نکرد... ما خودمان را - مدیون هیچ کشوری جز ایران نمیدانیم. همه ما از آنچه ایران برایمان کرده و میکند سپاسگزاریم. ما در ایران زیر سایه شاهنشاه رهبر تمام آریایی نژادها، بیه احترام و آسودگی زندگی میکنیم.

... من دیگر یک رهبر نیستم و شما اطمینان میدهم که هرگز دوباره یک رهبر نخواهم بود. من تمام شده‌ام و ملت ما تمام شده‌ام و آرزویم این است که نامم

از تاریخ محو شود .

... کسی که خود را بیک سفارت خارجی میفروشد سلطان نیست . خداوند همه موجودات بی شرف را مجازات خواهد فرمود .

ملاکارشهای مربوط به درخواست پناهندگی خود و پیوستن ادیس را از ایالات متحده و سوئیس تکذیب کرد و گفت : همه اینها دروغ محض است ما نمیخواهیم ایران را ترک کنیم و از خارجی ها گدائی کنیم .

من همواره مخالف کمونیسم بودم زیرا سلطان هستم . در میان همکاران من حتی یک کمونیست وجود نداشت یا اگر وجود داشت جرئت نمیکرد دستش را رو کند . عراق نزدیک به ۳ میلیون نفر کرد دارد که تنها ۱۰۰ هزار نفر آنها خارج از عراق بسر میبرند . اکثریت این صد هزار نفر در ایران هستند ."

علیرغم خیانتهای بارزانی ، کردهای بارزها در عراق مبارزه را ادامه دادند و این بار با گرفتن روسهای ذیقیمت از شرکت فاجعه انگیزی که پشت سر گذاشته اند و همچنین با کینههای عمیق نسبت به خیانتهای رهبری جنیش یا گرایشها و رادیکال مبارزه با دشمنان خلق کرد عراق برخاستند . بار دیگر مبارزه توده‌های زحمتکش کرد رویه رشد نهاد و امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل را نگران کرد . ادارات جاسوسی ایران (ساواک) آمریکا (سیا) ترکیه (میت) و اسرائیل (موساد) به تکاپو افتادند و یاری عواطف خود و سرهای بارزانی مسموم و ادیس سازمان جاسوسی متشکی در منطقه بوجود آوردند . هدف این سازمان در آن زمان ^{شدن} در آن زمان جنیش خلق کرد و مبارز کردن اندیشه‌های انقلاب بود . در سال ۱۳۵۴ این سازمان جاسوسی جدید تحت عنوان " رهبری حزب دموکرات خارج از کشور " (منظر عظیمه کج است) اعلام موجودیت کرد و با شعارهای عوام‌فربانانه

هیمنه‌های باصطلاح انتقاد از آمریکا و ایران فعالیت‌های جاسوسی خود را آغاز نمود .
 این همان چیز است که (قیاده موقت) نام دارد . ((قیاده موقت یا به عبارت دیگر
 رهبری موقت پارت دمکرات کردستان عراق " گروهی است از بقایای دارودسته
 بارزانی و پس از شکست ۱۹۷۵ جنبش کردستان عراق و فرار بارزانی خائن به کشور
 آمریکا امیرالیست بوجود آمدند ، آنها همان وظیفه‌ای را دارند که خود مصطفی
 بارزانی و دارودسته‌اش طی مدت چهار ده سال در کردستان عراق داشتند))
 قبل از شکست نروز ۳۵ ؛ ملا مصطفی و سرش ادیس بارزانی یک دستگاه جاسوسی
 بنام لژیون پاراستن " (کمیته حفاظت) برپاست خودش تشکیل داد که وظیفه‌اش
 سرکوب افراد شرقی و مشرودر عراق و نابود کردن آنها بود . دستگیری و شکنجه
 افراد جزو کارهای عادی و روشه خواری و هاجگیری هم از کارهای روزمره افراد کمیته
 حفاظت " بشمار می‌آید . افراد تشکیل دهنده " این سازمان کسانی بودند که
 به علت تجاوز بحقوق مردم کرد و معنایین دیگر تحت تعقیب بودند و اسلحه و پول
 این سازمان را آمریکا و اسرائیل و ایران تأمین میکردند و بعد از شکست نروز ۳۵ -
 بارزانی و نزدیکانش به عظیمه کرج آمدند و در ویلاهای چند میلیون تومانی کبرایشان
 تدارک دیده شده بودند مستقر گردیدند و دیگر اربابان در مرز ترکیه و عراق بنهارت
 مشغول شدند و بقیه افرادش آواره " شهرهای ایران گشتند . در کنگره ای که
 اتحادیه میهن پرستان کردستان عراق در سوریه تشکیل دادند ، نماینده ای از طرف
 " لژیون پاراستن " میخواست شرکت کند که حتی تشکیلاتشان را مارکسیست - لنینیست
 قلمداد کرده بودند که با مخالفت شدید و پرورش نماینده " مذکور تومید و شرسار
 از سوریه بازگشت و همراهی ادیس ، نام " قیاده موقت " را برای سازمان خوب گزیدند
 و شروع بکار کردند .

در ابتدای کار با عدم پشتیبانی خلق کورچه در عراق وجه در ترکیه و سوریه مواجه شد. با اوجگیری جنبش انقلابی در ایران و بالاخره با سرنگونی شاه خائن، قیاده موقت، با استفاده از متجمعین محلی و سوء استفاده از احساسات مردم - نسبت به جنبش ملی کرد و دین اسلام و خود رابه دزلی (بین مریان - سنندج) رسانده و این منطقه را پایگاه خود بنا کردند، قسمت در اشنویه و رهبری هم در عظیمه کرج مستقر شدند و بعنوان چماق ارتجاع و استعمار در منطقه شروع به عمل کردند.

قیاده موقت برای گسترش فعالیتهايش در جهت منافع امپریالیسم و پانگت اوج یافته خلق ایران اعلام همبستگی کرد و توانست با کمکهای مالی سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی طی مدت کمی افراد زیادی را در کردستان مسلح کند. بدیهی است که بنابه خصمت و هدفهایش به مزورترین و نا آگاهترین افراد روی میآورد. اینکه در سراسر کردستان با توطئه و سوسیس مشغول فعالیت است و در هر جناحی که اتفاق میافتد دستی دارد. قیاده موقت، این چماق داران جدید که خود را مدافع جمهوری اسلامی نیز میدانند، همان کسانی هستند که در زمستان ۱۳۵۶ بیش از ۸۰ نفر کرد را با کمک نیروهای مزد پور شاه دوزخ ترکیه محاصره و قتل عام کردند. این جاسوسان همان کسانی هستند که با دشمنان عراقی خلق کرد و دیکتاتوری شاه و امپریالیسم هم پیمان شدند و مبارزین کرد را قربانی هدفهای جاه طلبانه خود کردند. این عوامل اجرای سیاست های آمریکا، که در میان توده زحمتکش کردهای عراق چهره های شناخته شده ای میباشند، همان کسانی هستند که در رژیم سرسپرده سابق ایران، پناهمگاه محکم یافتند.

راستی این سوال برای سربش میآید که آیا دولت کونی از گذشته این جاسوسان

بی خبراست ؟

آیارهبران دارودسته که شاه خائن راهبر همه آریائی نژادهای نامید ،
برای تمام خلقهای مبارز ایران شناخته شده است ، نمی شناسد ؟
چگونه است که این دارودسته "جاسوس و عامل اجرای سیاست های امپریالیسم با
این چهره های شناخته شده ، طی مدت کمی ، چنین قدرتی پیدا کرده ، که بسا
همکاری و دستگیری قویدالها و عناصر ساواک و ارتجاع ، توده " زحمتکش کردستان
را در زیر ضربات جفاک خود گرفته است و از هر طرف دهقانان را تحت فشار قرار میدهد ،
در همه توطئه ها نقش دارد ، در جاده ها جلوه مسافران را میگیرد و اموال مردم را بیه
سرقت میبرد ، مردم را میکشد و در هر جا که جنایتی باشد ، آثار انگشتان خونین اش -
مشاهده میشود . آیاتنها خود را مدافع اسلام قلمداد کردن کافی است تا بسیر
جنایتها پوشش گذاشته شود ؟ پس چگونه است که دولت نه تنها در مقابل افعال جنایت
کارانه " این جاسوسان امپریالیسم ، سکوت اختیار کرده ، و حتی عملاً با حمایت از
آنها قدرت این جنایتکاران را در منطقه تحکیم می بخشد ؟
آیا این جاسوسان ، بدون داشتن حامیانی در میان مقامهای سیاسی و کشوری ،
میتوانستند در مدت کمی رشد کنند ؟ آیا زبانه به فعالیتهای ضد خلقی خود ادامه
دهند ؟ ما برای روشن شدن چهره " بیشتر رهبران این جفاک ارتجاع چند سندی
را ورق میزنیم :

در صاحب سید وادریس بارزانی باکیهان (شماره ۱۰۲۲۰ ، تاریخ ۱۳۰۹/۳/۵۸)
در مورد توافق ۱۱ مارس ۱۹۲۰ بعث و کردها ، گفتند : " اگر ما قبول میکردیم این امر
خیانت بعثت کرد خلقی میشد " و در این دو مورد : " ملاحظه فرمائید بارزانی در نامه به کارتر
(۹ فوریه ۱۹۲۲) مسئله را چگونه ای دیگر شروع میکند " هر اکتا " می نویسد " آقای

رئیس جمهور اگرمن اعتقاد کامل به ونده شمانداشتم میتوانستم از جامعه ای که بر سرطتم آمد جلوگیری کنم . این امر میتوانست تنها با پشتیبانی کردن از سیاست بعثت و اتحاد نیروهای پیمان با آن ، و این ترتیب با اتخاذ موضعی متضاد با منافع و اصول آمریکا و ایحاد و بر سر بر ای همسایگان عراق صورت گیرد . اطمینان های عالیتر بهترین نتایج آمریکا سبب شد تا از این امکان صرف نظر کنم ”

مسعود وادریس بازرانی در مورد توافق شاه - صدام حسین ، نظرمیدهند که “ چون دولت عراق در آن زمان به بهترین صلاحها مجبور بود و از عهد مقابله برنی آمدیم تا چار از دولت وقت ایران که در آن زمان با دولت عراق مخالف بود کمک گرفتیم نه اینکه با شاه موافق بودیم و شاه قول داد که بخت کرد کم کند ما سفارش کار در زمینه را میبود که شاه با صدام حسین بضرطت کرد توافق کرد . البته قبل از این گفتار من نیز ، صدام حسین در مادرید با کی سینجر مذاکره کرده تا با همکاری آمریکا جنبش ملی کرد را از زمین بیرونند ”

امام شاه خائن اهداف خود را از پشتیبانی از جنبش کرد عراق به خوبی روشن کرده است . (در هاجیه با حسین هیکل در کیهان ۶۵ سپتامبر ۱۹۶۷) :

باید صریحا “ بشاید گویم ، آری پایه انقلاب کرد کم کردیم و در دوره اخیر با قدرت علمی

در پشت سر آن بودیم و وقتی حمایت خود را از آن پس گرفتیم آنچه که سیاست اتفاق

افتاد . . . ما انقلاب کرد را اختراع نکردیم ، بلکه ما آنرا یک حقیقت موجود یافتیم . سالها

طولانی رژیم های حاکم به عراق با ما دشمنی میوزیدند انقلاب کرد فرصتی

یافت و ما از آن بهره گیری کردیم ، و آیا ما در واقع میخواهیم یک مشکل کرد بوجود

بیاوریم ؟ طبیعتا “ خیر . باید بدانید که ما دارای اقلیت کرد بزرگی هستیم بطوریکه

با آن آرزو مند رژیم های حاکم در عراق سالهای طولانی با ایران دشمنی میوزیدند

آیا حق نداشتیم باین روش آنها جواب بدهیم ؟ با ز فرصتی اگر بدست آیند استفاده کنیم ؟ آری به انقلاب کرد علیه حکومت بغداد کتک کردیم و این اقدام ما پاسخی بود با اقداماتی که علیه ایران کرده بودند آنها از دشمنی با ما دست برداشتند ما نیز چنین کردیم

وملاصطفی بارزانی درصاحبه کیهان ۲۰/۲/۴۰ ه گت " ازتوافق ایران و عراق درالجزایرپشتیبانی میکنم زیراصلاح ملت ایران را دربردارد . هرچه خیرایران را بهمهراه داشته باشد ، مورد موافقت همه کردهاست " همین ملاصطفی وقتی از کاخهای عظیمیه به آمریکا رفت موضعش عوض شد و برای کارتر عزیزش در ۹ فوریه نوشت " زمانیکه دروزستان ۱۹۲۵ با استفاده از سرمای زیر صغیر و مردم ما دست بگارتهاجی علیه دشمن شدند ، رژیم عراق خود را مستاصل یافت . دوباره با مشاورت شروی به فریب و تزویر متوسل شد . از طرف بریزیدنت بودین رهبرالجزایر ارتباط باشاه ایران برقرار شد . علائقهای غیر مستقیم با آمریکا فوسترانه شد که آمادگی بعت رایه تغییر سیاستش در مورد همسایه هایش و کاهش ارتباطش با مسکو ، در صورت خاتمه قضیه کرد ، نشان میداد . آقای رئیس جمهور ما مخالف روابط خوب ایران و عراق نیستیم ، لکن آیا این باید درازا " طاصرت گیرد ؟ ماکرنگها که از طریق تعهد شفاهی شرافتا " هم به ایالات متحده و هم ایران وابستهبودیم . بادشمن در افتادیم و تا متوقف کردن کاوش با او جنگیدیم . با داش خود مختاری موجود ما کجاست ؟ در اردو و گاههای پناهندگان در ایران ؟ در اخراج دستجمعی مردم کرد بجنوب عراق ؟ در تونس از بازگرداندن ناگهانی پناهندگان کسرد توسط مقامات ایرانی به برین خود ؟ . . . ما از نظر نظامی از دشمنانمان شکست نخوردیم . ما بوسیله دوستمان این نابود شدیم . "

مصطفی بارزانی در نامه به کارتر در ۳ مارس ۱۹۷۷ مینویسد " ۳ میلیون خلق کرد در عراق که توسط وقایع قبل و بعد از موافقت خیانت الجزیره در ۱۹۷۵ روحیه خود را باخته اند ، بیشتر از هر کس دیگری مستحق توجه شما میباشند . ملاقاتی با شما و نایب رئیس جمهور مانند یل کمک بسیار زیادی در جهت بالا بردن روحیه آنان خواهد داشت ."

وقتی از سמו وادریس میپرسند " چرا ملا مصطفی بارزانی با آمریکا رفت ؟ " و آنها گفتمند " بمرض سرطان مبتلا بود . بهرحا میخواست برود دولت ایران موافقت نمیکرد مگر به آمریکا " و خود آندوخان من افزایشند " ما دوستانی در آمریکا داریم ! که اطلاع دقیق دارند مرگ زودرس ملا مصطفی بارزانی در اثر یک توطئه که با همکاری سیا و آلی صورت گرفت انجام شد . زهوشاه سابق از نفوذ بارزانی در بین بارزانی های ایران میترسید " و بدینوسیله این دو خائن زاده میخواستند از زید رکود فروش و سرسپرده شان یک شهید بسازند . و حتی من افزایشند که " بارزانی به زاهدی گفته بود وقتی با ایران بر میگردم که شاه در ایران نباشد ! و در عوض نمایندگان خود و نمایندگان یارانش مکررات کردستان را برای تناس با امام خمینر همراه نامه ای به پاریس فرستاد و این نامه وسیله آقای قطب زاده تقدیم امام شد ."

آیا ملا مصطفی مجبور بود به آمریکا برود نه جای دیگر ؟ خود ملا مصطفی در نامه ۳ مارس ۱۹۷۷ ایکارتر میزبان وابستگی خود را چنین مینویسد : " آقای پرزیدنت ، کردها در تناس مصطفی با ما " مورین یائین و تبه میان بودند . تمام طوطریکه پیام ضمیمه وزیر خارجه سابق هنری کیسینجر تأیید میکند . و باغالبیرتبه ترین مسئولین ایالات متحده بود پیام هنری کیسینجر به بارزانی در ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ چنین بود " زتوال عزیزم ، از دریافت

پیام ۲۲ ژانویه ۱۹۷۵ شماموق العاده خوشحال شدم ، میخواهم از تحسین ما
 برای شاموهای مردستان و کوشش شجاعانه‌ای که مینمائید مطلع باشید . دشواریهای
 که با آن مواجه بوده‌اید عظیم هستند . من از خواندن برآورد شما از موقعیت نظامی
 و سیاسی بسیار خوشنود شدم . میتوانی اطمینان داشته باشید که پیامهای شما
 بحالت اهمیتی که برای آنها قائلیم مورد جدی ترین توجه و عالیتترین سطوح دولت
 آیالات متحده قرار میگیرد مصطفی بارزانی در نامه اول به کارتر در ۹ فوریه ۱۹۷۷
 که از وزیر جینیبا بعنوان صدربارتی دمکرات کردستان میفرستد بدرستی نشان میدهد
 که برخلاف گفته‌های سعود وادریس رفتن شما به آمریکا تحت اجبار نبوده . . . امیدواریم
 که تعداد بیشتری از پناهندگان کرد در ایران اجازه دخول به آیالات متحده را بیابند
 و میزان عنطقی‌ای کمک مالی به ایشان اختصاص داده شود . . . مردم من برای بیش
 از نیم قرن بمن اعتماد و اعتقاد کامل داشته‌اند - من اکنون این اعتماد را بشما منتقل
 میکنم . و در نامه به نمایندگان سناتکنگره آیالات متحده در ۲۴ فوریه ۱۹۷۵ مینویسد
 سناتور ، نماینده عزیز : بدینوسیله نسخه‌ای از نامه اخیرم به پریزیدنت کارتر در مورد ^ی رفتن
 خلق کرد را میفرستم . . . پریزیدنت کارتر میتواند بطور مستقیم یا غیر مستقیم از تقسود
 خود استفاده کند تا بدولت عراق فشار وارد نماید تا موافقت نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ را
 بطور کامل مورد اجرا قرار دهد . کردهای تبعیدی را به سرزمین پدریشان در -
 کردستان بازگرداند و به حقوق مدنی مردم کرد احترام گذارد .
 آیالات متحده همچنین میتواند ویزا و اشتیاقی بیشتری برای کردهای تبعیدی که در
 جستجوی کمک بشردوستانه در آمریکا میباشند فراهم کند .
 سعود وادریس در صحابه کیهان نوشتند : " ما چون میپمان این ملت هستیم
 بهیچ وجه در امر این کشور دخالت نمیکیم و ترجمه میکنیم که "بر نوع مشک مردم کرد

ایران از طریق مذاکره و صلح و گفتگو حل شود... و دخالت‌های قیاده و نمونه -
 اخباری که ذکر خواهیم کرد این دروغ بی شرمانه را بدرستی افشا خواهد کرد.
 و از سؤال رانگرا می‌کنیم آیا دولت کنونی و مقامات مسئول فعلی ایران طامیت قیاده
 موقت و رهبران آنرا می‌شناسد یا اصلاً؟ ماوند دارد که قیاده‌ای ها در ایران هستند؟
 ما گرچه بین رهبران مزدور و سرسپرده قیاده موقت یا توده‌های وسیع رانده شدگان
 از عراق فرق کلی می‌گذاریم و معتقدیم که اکثر آوارگان رانده شده (در اثر خیانت شاه
 - بعث - بارزانی) افرادی زحمتگر و بهر حال فریب خورد هستند ولی آن تشکیلاتی که
 بعنوان قیاده موقت عراق ارتجاع و امپریالیسم در ایران به تخریب و قتل و ظارت مشغول
 است ، در درجه اول ازین رانده شدگان از عراق طعمه‌های خود را برای عضوگیری
 انتخاب مینماید . و دولت باید مسئولیت خود را در صورت انقلابی بودن بدرستی انجام
 دهد . باید قیاده موقت از ایران اخراج گردد و کردغای رانده شده از عراق که ربطی
 به قیاده موقت ندارند ، در صورت تمایل بزندگی در ایران ، همانند هرایرانی از حق کار و
 زندگی آزاد برخوردار شوند . و ما حتی بین رهبران مزدور و خائن و سرسپرده قیاده با
 افراد فریب خورد هائین این تشکیلات فرق قائلم . رهبران قیاده و متجمعین سرسپرده
 افراد یائین قیاده را بعنوان اهداف ملی و کردایی و اسلامی به کیفیت ترین اعمال ضد
 خلقی میکشاند .

نمونه‌ای از فعالیتها روابط دار و دسته خائن و جاسوس قیاده موقت با دولت کنونی
 ایران پاسخ گوی مسئولیت دولت است در قبال انقلاب ایران و زحمتکشان کرد .
 در ضمن باید نمونه‌هایی را که ذکر می‌کنیم تاریخچه‌ای را که عنوان کردیم مقایسه کنید
 با اعلامیه شماره ۱۷ بتاریخ ۱۱/۳/۵۸ هـ " انجمن اسلامی جوانان و کارکنان بخش
 خصوصی و دولتی سنندج " که تأیید گر شمارهای چند روز گذشته " هنگام استقبال

ازفتی در "دروود به قیاده" و "میرگ بردشمن قیاده" گفتن هاست و نیز درستی نشان میدهد چه کسی این روزها بنفع قیاده رهبران خائن آن بردروود یوارهای سندج شمارنوشته‌اند. آقایان جوانان مسلمان سندج نوشته‌اند:

"قیاده موقت بجز سلطان بودن چه گناهی دارند. مگر همین چند سال پیش نبود که جناب جلال طالبانی بادولت بعث عراق متحد شد هر ضد حقوق کرد اقدام میکرد، در آن زمان بجز ژنرال بارزانی و طرفدارانش که همان قیاده موقت میباشد چه کسی برای احقاق حقوق کرد مبارزه میکرد؟"

این نوشته تأیید کننده شماره‌های است که بر ضد رزندگان منطقه و نفع قیاده‌ای‌ها بردروود یوارها نوشته‌اند. برای روشن شدن ماهیت قیاده و حامیان نشان ما در این جزوه با یاری جستن از مقالات و اخباری که گروه‌های سیاسی منتشر کرده‌اند، اسناد و تحلیل‌های را ارائه میدهیم تا یکی از دشمنان کارگران و دهقانان و زحمتکشان شهر هروستا و امروزی ناپیم. و ایطان داریم ناپودی این جطاق مرتجعین و قطع سلطه استعمار و سرمایه‌داران و تأمین حق تعیین سرنوشت خلقها در گرو مبارزه اصیل و نهائش خلق مستعبدیده ایران برهبری کارگران و حزب طبقه کارگراست که باید همسرگرد یگر زحمتکشان شهر هروستا مبارزه بی‌امان را رهبری و به پایان برسانند.

" قیاده موقت عامل امپریالیسم در منطقه "

پس از مرگ ملا مصطفی رهبر خائن بارزان ، دارو دسته بارزانی تحت عنوان " قیاده موقت " توسط ادویس و مسعود بارزانی و محمد محمود عبدالرحمن معروف به سامی و با نظارت همکاری سیا و موساد و ساواک رهبری میشود .

مدارك ركن دوم ارتش ، ژاندارمری و ساواک ایران و همچنین مدارك گزارش اوتیس - پایك و مقالات روزنامه نگار عرب محمد حسین هیگک و اعتراف روزنامه (پدیسموت اخرونوت) اسرائیلی همگی حاکی از این است که قیاده موقت چطقی است در دست امپریالیسم و صهیونیسم تا در خدمت ارتجاع منطقه در جهت سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کرد قرار گیرد . افراد قیاده موقت نه تنها آزادانه در ایران بسر میبرند بلکه کار را بجایی رسانیده اند که در بسیاری از نقاط منجمله کرمان و یزد دست به تعقیب و آزار و کشتار پناهندگان کرد میزنند .

مسعود بارزانی و سامی شخصه يك نفر پناهنده کرد عوانی بنام محمد هرمین را در اشنویه باز داشت کرده و قتل میسازند ، زیرا که دوباره دزدیها و تیز رابطه آنها با اسرائیل اطلاعات ذیقیتی داشت . محمد هرمین همراه سامی و مسعود و شکیب عتراهی يك دوره آزاد اسرائیل دیده و به رموز جاسوسی و اقدامات امنیتی به نفع اسرائیل و وابستگان اسرائیل وارد شده بودند و نیز همین باند در " پاراستن " مصدر امور بودند و میدانیم که " پاراستن " شعبه ای سازمان امنیت و اطلاعات ایران بود که در میان شیرشیان کرد تاسیس شده و هدف از آن حفظ رهبری بارزانی و مراقبت در ادامه خط مشی طرفداری از اسرائیل و شاه بود .

این خائنان و جا سوسان حتی در دوره شاه نمی توانستند به این آسانی و سهولت به زندان و کشتار مردم بپردازند . امروزه از تباطد او دسته بارزانی با آمریکا و اسرائیل و شاه خائن بر هیچکس پوشیده نیست .

ادویس و مسعود و محمد محمود عبدالرحمن (سامی) دبیر کل قیاده موقت

و چند نفر از رهبران دیگر بارزانی در اجرای برنامه های ارتباط گیری شخصا مشارکت داشتند و اینک نمونه هایی از آن در ذیل عنوان میشود :

(همکاری دار و دسته بارزانی با ساواک و شاه)

۱- يك کمیته همکاری بطور مداوم روابط بین بارزانی و ساواک را تنظیم میکرد . اعضای این کمیته عبارت بودند از : نصیری ، منصورپور و معتضدی از طرف ساواک و ادریس و مسعود و محمد محمود عبدالرحمن (سامی) و نماینده بارزانی در تهران از طرف بارزانی . این کمیته نوع همکاری را تعیین میکرد و به مبادله اطلاعات میپرداخت و مسائل امنیتی و جاسوسی را هماهنگ میساخت و امر مبارزه با انقلابیون را در میان کردهای ایران و عراق و نیز در سطح تمام ایران و عراق تنظیم میکرد .

۲- همیشه يك نماینده ساواک در دربار بارزانی وجود داشت که روزانه و بطور مرتب اخبار و اطلاعات لازم را در خصوص جنبش کردستان عراق بدست آورده و اطلاعات لازم در خصوص ارتش و پایگاههای نظامی عراق را نیز کسب مینمود .

۳- همکاری افراد مسلح بارزانی و تیروهای مسلح شاهنشاهی در سرکسب مبارزه مسلحانه کردستان ایران برهمنوی شهیدان : شریفزاده ، ملا ثاواره ، سلیمان معینسی و غیره . در این مورد صدها نفر از افراد مسلح بارزانی با همکاری اویسی جلاد بر علیه انقلابیون همکاری میکردند .

۴- دستگیری و کشتن و تسلیم کردن شهید سلیمان معینسی و چهل و شش (۴۶) نفر از انقلابیون کردستان ایران و تسلیم کردن خرید یا جتازها - یشان به شاه جلاد .

۵- حمله کردن به مبارزین و مخالفین ایرانی شاه که در عراق بودند و حتی کوشش جهت ترور برخی از این مبارزین از ناحیه تروریستهای بارزانی .

۶- پایان دادن به انقلاب کردستان عراق پس از دیدار شاه و صدام حسین در الجزایر که بهترین دلیل اثبات این امر معدوم کردن دهها هزار قبضه اسلحه و متفرق کردن دهها هزار پیشمرگ کرد و تلاش کردن ارگانهای انقلابی جنبش کرد بدستور شاه ایران میباشد که شهادت دکتر محمود علی عثمان عضو دفتر سیاسی حزب یارزانی که طی نامه‌ای دیدار شاه و یارزانی را که در حضور وی صورت گرفته است شرح میدهد، یکی از دلایل اثبات خیانت یارزانی است. دکتر محمود علی عثمان مینویسد: یارزانی پس از اینکه دست شاه را بوسیده و مراتب اطاعت خود را اعلام داشته و میگوید: "ما خلق شما هستیم و چون شما از توافقی الجزایر راضی هستید و این توافق منافع ایران را که سرزمین صادری ماست تأمین میکند، ما هیچ چیزی علیه آن نداریم و تحت فرمان شما هستیم بما بگویید بمرید می‌بریم، بگویید بزنید می‌زنیم، ما بشما وفادار بودیم هنوز هم هستیم و در آینده نیز چنین خواهیم بود."

۷- پس از شکست انقلاب کردستان عراق و پس از اینکه دست شاه روشن شد، دار و دسته یارزانی همچنان در ایران ماندگار شده و ستاد جاسوسی و خرابکارگری خود را در عظیمیه کرج مستقر ساختند و سپس بدستور ژنرال هاشمی یکی از معاونان نصری عدای از پناهندگان کرد طرفدار خود را مسلح کرده و آنان را بر علیه انقلاب نویسی که در کردستان عراق آغاز شده بود تحریک نموده و دهها نفر مانند: نادر اورامی، حمید حسین و مصطفی نیرومنی و عمریف یاسین و یونس روز بیانی را جهت مخالفت با انقلاب از ایران به عراق فرستادند و با کمسک ساواک و میت راه رسیدن اسلحه و مهمات را بر انقلاب بستند و دهها پیشمرگ را کشته و یک تیروی هشتصد نفری از پیشمرگان انقلاب توپن خلقان را سر به نیست کردند و با اینکار بزرگترین خدمت خود را به رژیم فاشیستی کردند.

اینان تا زمان شاه از یاران شاه بودند و پس از سقوط وی نیز همچنان با کسای مانند پالیزبان و مزدوران پیشین شاه همکاری می‌کنند و در صورتیکه باقی بمانند روزی خواهد رسید که مراتب همکاری و نوکریشان را نسبت به شاه به مثابه یک نیروی ضد انقلاب بنحو آشکاری نشان دهند.

همکاری دار و دسته بازرانی با موساد اسرائیل

بازرانی از سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۶ بطور مخفیانه روابط خود را با موساد اسرائیل استحکام بخشید. در این خصوص اسرار زیادی هست که تا کنون آشکار نشده و لسی :

۱- اریه لیبیا ایالی یکی از معاونین وزیر و نماینده پارلمان (کمیست) اسرائیل در مقاله‌های بتاریخ ۱۰/۵/۱۹۷۸ که در روزنامه "یدیعوت اخرونوت" اسرائیل چاپ شده اعتراف میکند که وی بدستور "لوی اشکول" نخست وزیر وقت اسرائیل سال ۱۹۶۶ با هیئتی به ملاقات بازرانی آمده و ادیس و مسعود را الاقا کرد است و بازرانی دو قبضه خنجر دسته طلایی جهت هدیه به رئیس کمیته (پارلمان) اسرائیل و نخست وزیر اسرائیل فرستاده و قول داده است که آخر همچنان به اسرائیل وفادار خواهد ماند.

۲- از سال ۱۹۶۶ به بعد بنگه هیئت نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی مرتباً بارگاه بازرانی حضور داشته و اطلاعات لازم را با هم دیگر مبادله میکرد مانند

۳- در سال ۱۹۶۶ ادیس و مسعود پسران بازرانی و محمد محمود عبدالم (سامی) و شکیب عقراوی و محمد هرسین و دهها نفر دیگر از دار و دسته بازرانی که برخی از آنان در حال حاضر در بغداد هستند (مانند عزیزعنا وزیر مشاور دولت عراق) از اسرائیل بازدید به عمل آوردند.

ادیس و مسعود و شکیب و هرسین در اسرائیل دوره اطلاعات و جاسوسی

و پس از بازگشت به کردستان سازمان " پاراستین " را که در واقع ساواک بازرانی بود تأسیس کردند که به مثابه شعبه ای از موساد و ساواک فعالیت میکرد و هرگونه اطلاعاتی را برای ساواک و موساد جمعآوری میکردند .

" پاراستین " که سرپرستی ظاهریش به عهده " مسعود " بود در واقع محمد محمود عبدالرحمن (سامی) مسئولیت مخفی آنرا به عهده داشت در مورد ارتشهای عراق و سوریه و سپس در مورد جنبش مقاومت فلسطین بخصوص پس از سالهای ۱۹۶۷ برای اسرائیل جاسوسی میکرد و کارهایی رسید که اطلاعاتی هم در مورد پایگاههای انقلاب فلسطین در جنوب لبنان و پایگاه موشکی سوریه و نیروی دریایی عراق جهت اسرائیل جمعآوری مینمود .

از سال ۱۹۷۳ محمد محمود عبدالرحمن همراه با مسعود بازرانی هفده دستگاه بیسیم خیلی دقیق و کوچک را که ایستگاه مرکزیشان در اسرائیل بود جهت تبادل اطلاعات در بین افراد عضو پاراستین " در شهرهای عراق مانند خداداد ، موصل ، کرکوک ، بصره و تقاطع دیگر توزیع کرده و بدین وسیله مستقیماً با اسرائیل مرتبط شده بود .

در سال ۱۹۶۷ پس از شکست اعراب در جنگ با اسرائیل رابطه رهبری بازرانی و اسرائیل توسعه زیادی یافت .

در کتاب (اسرائیل) که مقدمه آنرا ژنرال موشه دایان نوشته است، ژنرال زفی شادیر رئیس موساد میگوید : " بازرانی بخاطر پیروزی ما بر اعراب تلگرام تبریک برایشان فرستاده است " و اضافه میکند " بازرانی دوست داشت و شخصاً چندین بار او را دیده ام " . همچنین در همان کتاب بازرانی و نیروهایش به دیوارهای دیوارهای اسرائیل تشبیه شده است .

پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل ، مصطفی بازرانی با یکی از اعضاء دفتر

سیاسی حزب و نماینده‌اش در تهران به اسرائیل رفته و در آنجا همه سران اسرائیل را ملاقات کرده و بیطین همکاری با آنان منعقد کرده است. ژنرال دایان قول داده بود که انواع اسلحه‌ها را بوی بدهد. و از آنجمله قسمتی از اسلحه‌های سبک و متوسطی که اسرائیل از اعراب به غنیمت گرفته بود برای بارزانی فرستاده که بعضی از آنها بر اسلحه‌ها تا آن زمان هم علامت سوریه و مصر بر بدنه‌شان باقی مانده بود.

۵ - در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، اسرائیل از بارزانی خواسته بود که به عراق و سوریه حمله کند رهبری بارزانی هم طبق گزارش اوتیس پایک و مقاله محمد حسنین هیگا مقاله آژول لات هام آمریکا بی این امر راضی شده و از آمریکا موافقت خواسته بود و طی کیسینجر اجازت این کار را به بارزانی ندادند. اکنون ببینیم لات هام در این مورد چه میگوید:

"در سال ۱۹۷۳ تمام کشورهای عرب - حتی عراق دشمن کردها - در این جنگ درگیر بودند، بارزانی احساس کرد که وقت مناسبی است برای اینکه ضربت خود را فرود آورد، منتبسی هنری کیسینجر به بارزانی دستور داد که از اینکار خودداری کند و با این دستوریه دست آوردنهای ۲ دوست آمریکا که اسرائیل و کردها بودند زیان را کردها را از ضربتی که ممکن بود پیروزی بزرگی برایشان بیاورد بی نصیب ساخت و با هم از بارزانی خواسته بودند که در جنگ شرکت کرده و آنان را یاری کند و طی از ششم کردها در جنگ علیه اعراب بی نصیب گشتند" محمد حسنین هیگل به تفصیل توضیح است که چرا و چگونه کیسینجر مانع شرکت بارزانی در این جنگ شد و آنرا وسیله ای -

ساخت برای پیشبرد سیاست آمریکا و اسرائیل در خاور میانه.

۶ - پس از شکست جنبش بارزانی ما همچنان پیوندشان را با اسرائیل حفظ کرده‌ایم:

قبل از آنهم مسعود بارزانی به فیر از حقوقی که از پاراستن می گرفت ماهانه پنجاه

دلار آمریکا، دریافت می نمود، بطوریکه جاک اندرسن روزنامه نگار آمریکا -

در روزنامه (واشنگتن پست) در مورخه ۱۹۷۲/۹/۲۷ این ستاره را اعلام و -
توطئه‌های پنتاگون را رسوا کرد . پس از اینکه مظاهر بگین دوست بارزانی سرکار آمد
این مبلغ را به (۲۵۰) هزار دلار افزایش داد که محمد محمود عبدالرحمن در لندن
و اصغر در واشنگتن آنرا می‌گرفتند . بارزانیها در حال حاضر نیز همچنان پهنه‌
یا مواد قطع نگردیده است .

رهبری بارزانی و آمریکا و سیما

مدتها بارزانی مشتاق پیوند با آمریکا بود . جرج آلن سفیر آمریکا در تهران شهادت
میدهد که در سال ۱۹۴۶ بارزانی قصد داشته‌است بموضع پناهندگی به شوروی به
آمریکا پناهنده شود . روزنامه نویسن آمریکائی بنام دانا آدم سمیت در سال ۱۹۶۲
در روزنامه نیویورک تایمز در کتابش بنام *Journey Among Brave Men*
می‌نویسد بارزانی به وی اعلام کرده‌است که آماده‌است به طلب آمریکا تبدیل شده و
بهرنوعی که لازم باشد به آمریکا خدمت بکند و کردستان را به پایگاه نظامی سیاسی
آمریکا تبدیل نماید . اما در سالهای ۶۷-۶۸ پس از آغاز سال ۱۹۷۲ رهبری
بارزانی بوسیله سفارت آمریکا در تهران سازمان سیا کوشش کرد که رابطه‌اش را با
آمریکا محکمتر کند ولی تا زمان سفر نیکسون به تهران و مذاکرات شاه با وی در مورد
بارزانی ، رسماً با آمریکا رابطه‌ای نداشت و قبل از آنهم فقط با سایر رابطه نداشت
و این رابطه تنها در ردیدل کردن اطلاعات و اخبار بود ، ولی بعدها ادیسون
بارزانی یکی از اعضای دفتر سیاسی (پارت دمکرات کردستان عراق) گردید
بارزانی به واشنگتن رفت و در مورد مسائل زیادی با مقامات آمریکائی بحث نمود .
در واشنگتن جنبش در سال ۱۹۷۷ (این خائن مزدور مجدداً در نامه‌ای گفته

جیمس کارتر نوشته است مراتب وفاداری و نوکری خودش را به آمریکا اعلام داشته و
خاطر نشان میسازد که بخاطر منافع امپریالیسم آمریکا، انقلاب کرد را به ناسود
کشانده است و امیدش تنها به آمریکاست و مدح و ثنای زیادی پیوندش را با
آمریکا مستحکمتر میسازد. آخرین جمله "ناهاش بشرح زیارت :
مردم من برای بیش از نیم قرن به من اعتماد و اعتقاد کامل داشته اند ، من اکنون این
اعتماد را بشما منتقل میکنم ."
همینطور پس از طی شدن نفت عراق با رزانی اعتراف کرد که اگر آمریکا به وی کمک کرده
و امروز نشود طی کردن نفت عراق و الفو و مجد را " نفت را به آمریکا خواهد داد و آماده
است نگهبانی از نفت را بدستور آمریکا به عهده گیرد .

اسنادی درباره وابستگی بارزانی و قیاده موقت *

در ۶ مارس ۱۹۲۵ توافق خائنانی بین رژیم شاه و رژیم مرتجع بعث صورت گرفت. رژیم شاه که تا آن زمان از مبارزه کردهای عراق تحت رهبری مصطفی بارزانی علیه رژیم بعث حمایت میکرد بر اساس تغییر سیاست امپریالیسم آمریکا در ۶ مارس ۱۹۲۷ قرار دادی با رژیم بعث منعقد کرد. بمسئله این قرارداد رژیم بعث تعهد نمود که در سرکشی جنبشهای انقلابی منطقه و همکاری با رژیم شاه در جلوگیری از فعالیت انقلابیون ایران در منطقه و استرداد این انقلابیون به ساواک شاه تحت چهارچوب طرحی بنام " طرح امنیت " خلیج به رژیم شاه کمک کند و در عوض رژیم شاه نیز دست از حمایت رهبری مرتجع کردستان عراق بردارد.

رهبری خائن جنبش کردستان عراق که در مارس ۱۹۲۴ برای تأمین منافع آمریکا جنگ جدیدی علیه رژیم شاه را آغاز کرده بود و بعد از انجام توافق بین رژیم شاه و رژیم بعث عراق با کمال میل دستور بزمین گذاردن اسلحه داد و این در حالی بود که پیشمرگان مسلح کرد با مگانانی بسیار گسترده به جنگ علیه رژیم بعث ادامه میدادند و آن را بسته آورده بودند. تلاشهای این خائن بعد از سفر خود به تهران در ۴ مارس ۱۹۲۵ و گفتگو با شاه برای پیاده کردن ضائق امپریالیسم آمریکا، پیشمرگه های کرد را سخته حیرت زده نموده بود ولی علیرغم این سازش بطور پراکنده بمبارزه قهرمانانه خود علیه ارتش فاشیستی بعث ادامه دادند.

در تاریخ ۱۹۲۵/۲/۴، ملا مصطفی همراه با دکتر محمود طلی عثمان (مسئول سیاسی پارت دمکرات کردستان)، محسن زره پی، شمس الدین مفتی برای اطلاع از سفر الجزایر و گفتگوهای شاه با صدام به تهران

رفتند و همراه شفیق فراز منتظر بازگشت شاه به ایران شدند و در کردستان عراق جنگ ادامه داشت .

در تاریخ ۱۲/۳/۱۹۷۵، در تهران ملا مصطفی همراه با دکتر محمود علی عثمان و دکتر شفیق فراز سفیر کردها در تهران و محسن نوره‌بسی بدیدن شاه رفتند و صیبه نصیری جلاد نیز حضور داشت . بعد از شرفیابی ملا مصطفی دست شاه را میبوسد و بعد می‌نشیند و به گفتگو می‌پردازد .

بازرانی میگوید : " ما رعیت شما هستیم ، ما دام که شما از توافقنامه راضی باشید ما هیچ حقی را نمیخواهیم ، ایران ما و وطن ما نیز هست ، ما در زیر فرمان شما هستیم اگر بفرمائید بپذیرید ، من می‌چرم ، ما همیشه مخلص بوده و خواهیم بود ، امید داریم لطفتان را از ما دریغ ندارید .

در تاریخ ۳/۳/۷۵ ، ملا مصطفی و همراهانش به عراق بازگشتند ، شایع شد که جنگ ادامه خواهد داشت و مردم شادمان شدند . در گردهم‌آیی مردم بامین دو مسئله اشاره شد :

۱- پایان دادن به جنگ و فرار بایران ۲- ادامه شورش و تیرد و تغییر در نحوه جنگ .

اگر چه مردم موافق مورد دوم بودند ولی بعد از مدتی بازرانی به مردم اطلاع داد که از جنگ دست بکشند و به بهانه های مختلف مردم را از جنگ دلسرد نمود . ساعت ۱۰ که خبر متوقف کردن جنگ به کردها رسید مردم خیال میکردند مذاکره اتی صورت میگیرد ، ولی برنامه پرازاهانت را دیوبند در ساعت ۱۱ عصر اعلام کرد که حزب دمسکرات کردستان منحل شده است .

در تاریخ ۲۰/۳/۷۵ ، دو بار بازرانی به همه اطلاع داد که اختیار با مردم است که یا به عراق بروند یا بایران بیایند ، دعای از پیش مرگها نسزد

مسئولین رفتند ولی دیدند که هیچکدامشان نیستند و هگی فرار کرده‌اند ، بیشتر اجناس فروشگاههای شورشیان و مبارزین توسط خود مسئولین به سرقت رفته بود ، قبلاً فرماندهان اسناد و مدارک را کلاً آتش زده بودند تا چیزی دستگیر پیش مرگه ها نشود و نتوانند اطلاعاتی از وضع آنها کسب کنند .

۱۶۰/۰۰۰ زحمتکش کرد عراق آواره و پناهنده ایران میشوند و صدها زن صچه آنها بی خانمان میگردد و در برابر جشطان حیرت زده آنها ملا مصطفی فرمان ترک مخصوصه و انحلال حزب دمکرات کردستان عراق را اعلام می نماید .
در روز ۱۹/۳/۷۵ بارزانی با ۹۶۰ میلیون تومان ثروت خلق کرد به تهران می رود تا در کاخی که شاه در عظیمه برایش تدارک دیده به زندگی خائنانه اش ادامه دهد .

مارچند که این خیانت ضربه ای بزرگ بر بیکر جنبش خلق کرد عراق بود اما در واقع نه تنها با این خیانت این جنبش علیرغم خواست رهبری مرتجع آن به پایان نرسید بلکه تحت رهبری جدید " اتحادیه میهن پرستان کردستان " مبارزهای انقلابی را آغاز نمود . آغاز مجدد جنبش انقلابی در کردستان عراق خوش آیند امپریالیسم آمریکا نبود و از سوشل نیز آمریکا نتوانست بارزانی خائن را مجدداً بعنوان رهبر جنبش کردستان جا بزنند و در ضمن لازم بود تا رهبری جنبش آغاز شده را مجدداً بدست بگیرد .

از این رو امپریالیسم آمریکا دست بکار شد همکام ساواک ایران ، صحت ترکیه و موسان اسرائیل سازمانی بنام پارت دمکرات کردستان عراق - قیاده موقت تشکیل داد و اولین جلسه آن در کاخ عظیمه بارزانیها در بهار سال ۱۳۵۶ در کرج با حضور اعضای برجسته ساواک و نمایندگان امپریالیسم آمریکا و اسرائیل و پسران بارزانی ، سعید و ادریس ترتیب داد شد و ملا مصطفی

رهبری پنهانی قیاده را در دست گرفت و پس از چندی به کشتار مهین پرستان انقلابی کرد آغاز نمود . روزنامه اسرائیلی "ایدیات آهرونات" که بزبان عبری منتشر میشود برای اولین بار در شماره * ۱۰ مه ۷۸ خود مقاله ای چاپ نمود که عین همین مقاله در روزنامه عربی المنار که در پاریس منتشر میشود در شماره ۲۰ ماه مه ۷۸ نشریه مزبور درج شده و همینطور در بخش گزارشات بین المللی نشریه اورشلیم پست اسرائیل و وزیر خارجه اسبق اسرائیل اذعان میدارد که در اواخر سال ۱۹۶۶ از طرف نخست وزیر وقت اسرائیل بنام لوی اشکول مامور میشود تا با بارزانی در کردستان عراق ملاقات کند . هدف از این دیدار مخفی پیشنهاد کمک از طرف اسرائیل به بارزانی بود . اولیا میگوید که با اداریس بارزانی پسر بزرگتر ملا مصطفی تمام کردستان عراق را زیر پا میگذارد و اداریس در استقرار امکانات بهداشتی و داروشی اسرائیل در منطقه که هدفش کمک بسسه جنگجویان ملا مصطفی است ، کمک فراوان می نماید . بارزانی خود بخاطر کمک های اسرائیل فوق العاده از اولیا تشکر میکند و میگوید که هرگز کمکهای اسرائیل را فراموش نخواهد کرد . اولیا از قول بارزانی نقل میکند که : به نخست وزیر دولت متوع خود تشکر صمیمانه مرا ابلاغ کنید و بگوئید که ما برادران شما هستیم و هرگز الطاف شما را فراموش نخواهیم کرد . شما تنها کسانی هستید که به کمک ما آمده اید ، بعد از خیانت بارزانی و رفتن او به آمریکا بارزانی از طریق سناتور آمریکائی مولاریس مجددا تشکرات خود را به اولیا نوشته است و بر اساس گفته های خود سناتور از او میخواهد که تشکرات قبلی او را به " برادرانش در دولت اسرائیل ابلاغ کند " (به نقل از نشریه اخگر که بزبان انگلیسی از طرف اتحادیه مهین پرستان منتشر میشود شماره ماه اوت ۷۸ نشریه مزبور) .

و شنکتن پست مورخ ۱۷ سپتامبر ۷۲ گزارش میدهد که یک گروه مخفی اسرائیلی به کوهستانهای عراق می‌رود تا ۵۰ هزار دلار از طرف اسرائیل به بارزانی دهد. روزنامه ایدیات آهرونات سپتامبر ۷۲ از مدتی از "سیا" نقل قول می‌آورد که یک افسر سازمان جاسوسی اسرائیل هر ماه ۵۰ هزار دلار به بارزانی تحویل میدهد. بر اساس همین گزارش "سیا" یکی از اهداف کمک ژنرال ژوی زامیر افسر جاسوسی اسرائیل به بارزانی آن است که او کمک کند تا صهیونیستهای عراق بتوانند با اسرائیل مباحثات کنند و همینطور بارزانی تعهد کند که به حقوق خود علیه دولت عراق ادامه دهد.

و شنکتن پست در شماره ۱۲ مه ۱۹۶۱ خود قبلاً نوشته بود: "اسرائیل عمدتاً مقادیر زیادی اسلحه روسی که در سال ۶۷ از جنگ اعراب و اسرائیل پسند آورده بود به بارزانی تحویل داد" در جمله نیز یک امریکائی ۷ آوریل ۱۹۷۰ نیز ذکر شده است که "اسرائیل بعدت ۵ سال از طریق ارسال سمات و مستشاران نظامی بعنوان بخشی از یک همکاری سه جانبه امریکا - اسرائیل - ایران به ملا مصطفی کمک می‌نموده است".

تشکیلات قباده موقت در برابر سازمانهای شرقی دانشجویی کرد در خارج برپا شد و بخصوص بعد از آن که کنگره سازمانهای دانشجویی کرد خیانت ملا - مصطفی را محکوم نمود، رهبری فعال این تشکیلات که زیر نظر ادريس و خودش ملا مصطفی بود، در کنگره کمال پزشک مخصوص بارزانی بمبهد داشت که از اعضا مرکزی دفتر سیاسی قباده و جاسوس "سیا" میباشد. (رجوع شود به شماره ۱۰۱ سازمان دانشجویان کرد در امریکای شمالی و کانادا که این جریان را افشا نمود) فاست در سال ۷۲ در امریکا بوجود آمد. وضع امریاليسم امریکا سعی میکند از طریق بلندگوهای تبلیغاتی خود نشان دهند که گوا

قیاده نیروئی است مترقی که با حکومت عراق در حال جنگ است در حالیکه بعد از آنکه ملا مصطفی خائن در ۱۹۲۵ به آمریکا گریخت هیچ نیروی مترقی که طرفدار ملا مصطفی و دارودسته اش باشد در عراق باقی نماند .
برای روشن کردن ماهیت مرتجعانه این سازمان بعد از تشکیل آن توسط ملا مصطفی و نشان دادن رابطه آن با امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه به يك سری نمونه های مستدل اشاره میکنیم .

۱- براساس يك سری مدارك و ساواک ایران و سیا که در نشریات مختلف آمریکائی از جمله نیویورک تایمز ، واشنگتن پست ماههای ژوئن و ژوئیه ۷۶ ذکر شده است ، افراد قیاده موقت بوسیله ساواک ایران تعلیم دیده و مسلح شده و به کردستان عراق فرستاده میشوند ، برای مبارزه علیه پیشتر مرگه های " اتحادیه میهن پرستان کردستان " و تحویلشان بعراق یا ایران . این عملیات بوسیله پسر بارزائی در پیش از کرج و تحت هدایت و رهبری ساواک اجرا می شده است . (نشریه اخگر اوت ۱۹۷۸) .

۲- ساواک ایران در اوائل سال ۷۸ صیحسی مفاد برزبادی اصلاحیه از طریق میت (سازمان اطلاعاتی ترکیه) به ترکیه میفرستد و میت آنها را به دستجات قیاده موقت تحویل میدهد و به آنها کمک میکند تا تمام راههای ارتباطی " اتحادیه میهن پرستان " را با خارج از جمله ترکیه قطع کند . رهبری این گروه از قیاده را در ترکیه محمد محمود عبدالرحمن معروف به " سامی " بمعهد دارد و این گروه در ترکیه به " صالح " معروف است . (اخگر اوت ۱۹۷۸)

۳- در منطقه " حکاری " میت ترکیه تحت رهبری زکی بگ و مجید بگ حاجی احمد حمایت کامل از دارودسته قیاده موقت بعط می آورد و حتی کماندوی ترکیه در حمله به واحدهای پارتیزانی " اتحادیه میهن پرستان " با قیاده موقت همکاری کامل

بمعل می آورند . گزارش یکی از عطیات مشترک کماندوهای ترکیه و قیاده موقت
علیه اتحادیه میهن پرستان در صفحه اول روزنامه حریت ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ همراه
با عکسهای متعدد درج گردیده است .

۴- با کمک مستقیم ساواک ایران نیروهای قیاده موقت از طریق ایران در تاریخ
۲ ژوئیه ۷۸ به واحدهای " اتحادیه میهن پرستان " حمله و ضربات سختی به
آنها وارد می آورند . (اخگر ژوئیه ۱۹۷۸)

۵- در ماه ژوئیه و اوت ۷۸ نیروهای قیاده موقت از طریق ایران به همکاری
ساواک و باند امری قصد نفوذ به عراق و حمله به نیروهای " اتحادیه میهن
پرستان " را داشتند که نیروهای پارتیزان " اتحادیه میهن پرستان " حمله
مزبور را دفع میکنند . (اخگر سپتامبر ۷۸)

۶- در ماه اوت ۷۸ در حمله افراد قیاده موقت با همکاری کامل نیروهای میت
ترکیه علیه " اتحادیه میهن پرستان " صورت گرفت ، ۳۰ تن از مبارزین توسط
قیاده موقت دستگیر که کماکان در ترکیه زندانی و جانشان در خطر است .
(اخگراوت ۷۸)

۷- در ژوئن ۷۸ در منطقه " حکاری " ترکیه نیروهای قیاده موقت با کمک مشترک ساواک ایران

و سیا و میت ترکیه تمرکز میشوند و در منطقه " بیداد " با همکاری میت بآنها
یک دستگاه رادیویی و امکانات نظامی برای فعالیت علیه جنبش مترقن کرد داده
میشود . در اواسط ژوئن ۷۸ هنگامی که یک گروه پارتیزان " اتحادیه میهن
پرستان " در حوالی نقاط مرزی ترکیه مورد حمله نیروهای فاشیستی عراق واقع
شده بطرف ترکیه عقب نشینی می نمایند که بوسیله دارو دسته قیاده موقت حمله

را دیده و عده زیادی از آنها دستگیر میشوند (عکس این عملیات روی جلد روزنامه
۱ ژوئن ۷۸ درج شده است)

و نیروهای هلی کوپتر ارتش ترکیه برای حمایت از قیاده وارد عطف میشوند (گزارش این عطیات توسط وزیر کشور ترکیه عرفان اوزای دین لی ، در ۲۰ ژوئن ۷۸ به پارلمان ترکیه داده شده است) در این حمله نزدیک به ۱۰۰ نفر کشته میشوند و ۴۰۰ نفر از اعضا اتحادیه که به یکی از دهکده های اطراف پناه میبرند و سیله ارتش ترکیه دستگیر و تحویل قیاده موقت داده میشوند .

هم اکنون این ۴۰۰ تن در زندانیکه متعلق به قیاده موقت بوده و در ترکیه قرار دارد ، زندانی هستند و جانشان در خطر است . اتحادیه میهن پرستان در این مورد نامه ای به سازمان ملل ، سازمان عقوبین العلی ، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و احزاب سوسیال دمکرات اروپا نوشته و این عمل که ناقض تمام حقوق بین العلی است اعتراض نموده است . (عین نامه مزبور در اخر ۱۹۷۸ درج شده است) .

۸- نمونه دیگر از طهیت مرتجع این نیروی جاسوس همکاری آن با صهیونیست های اسرائیل است و امروز مدارك فراوانی وجود دارد (از جمله سه گزارش در روزنامه واشنگتن پست آمریکا از تاریخ ژوئیه تا اوت ۷۸) که مخارج تمام انتشارات و عطیات تخریبی قیاده بوسیله سرمایه شخصی ملا مصطفی و پسرانش ، سازمان سیا آمریکا ، صیت ترکیه و سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) پرداخت میشود . بر اساس گزارش واشنگتن پست ادیس بارزانی که در کرج بسر می برد و صعود که تا چندی قبل نزد اربابانش در واشنگتن بود و قیاده موقت ، تا مدتها ارتباط با آنها را نفی میکرد در همکاری نزدیک با سیا و سنای آمریکا قرار دارند . نامه های شخصی بارزانی به کارتر گواه این ارتباط نزدیک است .

ضمناً با همکاری ساواک ایران و استفاده از تجارب آن و نیز با همکاری موساد

اسرائیل و سا زمان جاسوسی " پاراستن " بر رهبری ضعیف بارزانی که بخش جاسوسی حزب د مکررات بارزانی بود مجددا تحت رهبری این د و سازمان تجدید سازمان شده تا کشتار و دستگیری مبارزین کرد را بهتر انجام دهد .
پاراستن سابقا بخش امنیتی حزب د مکررات بود که بوسیله ساواک ایران اداره می شد و بعدت چند سال سرشیپ مدرسی جلال معروف خلق کرد که عامل قتل انقلابیونی چون شریف زاده و ملا آواره و معینی بود یا همکاری جاسوسان بارزانی اداره پاراستن را به عهده داشت .

۱- اعلامیه ۲۲ ژوئن ۷۸ اتحادیه میهن پرستان کردستان عراق منطقه سلیمانیه حاکی است که ستوان یکم نامی نماینده سازمان جاسوسی عراق با ستوان یونیس که قبلا وابسته به قیاده موقت بود و به عراق تسلیم شده بود با هم به ترکیه رفته و در آنجا با ستوان عبدالرحمن بیدادی یکی از عوامل رهبری قیاده موقت ملاقات ۳۰ هزار دینار عراقی (نزدیک به ۷۰۰ هزار تومان) به عبدالرحمن بیدادی داده شد که آن را به محمد محمود عبدالرحمن عمود قتر سیاسی رهبری موقت بدهد .

همزمان با این رویداد واحدهای پارتیزانی اتحادیه میهن پرستان کردستان که عازم منطقه زاخو و دهوک (نزدیک مرز ترکیه) بودند چندین بار زیر آتش توپخانه و بمباران هواپیماهای رژیم منغور پهلوی قرار میگیرند .

قیام هموقت و ساواک

نقل از کتاب "ساواک" مدارک و اسناد نویسنده هرالدا پیزگو صفحه ۵۵ نسخه عربی بنگاه نشریات ابن خلدون - بیروت ۱۹۷۸ هجری ستور ساواک برای پیوستن کردن نوکر جدیدی در میان کردهای فراری از عراق يك نفر در اروپای میانوس میگرد تا کردهای عراق مقیم اروپا را به بازگشتن به عراق و از سر گرفتن جنگ پارتیزانی علیه حکومت بعث عراق تشویق نماید .

طرح این مسئله را میتوان از اعلامیهائی که بین "اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا" در وین پخش میشود دید و صلتا "با تحقیق بیشتر صحت و سقم این ادعا روشنتر خواهد شد .

در اینجا باید به کسی اشاره نمود که همواره مورد سوال بوده است . این شخص "محمد محمود عبدالرحمن" میباشد که بنام سامی رحمانی معروف است . سامی رحمانی یکی از کردهای عراق است و یکی از اعضا "حزب دموکرات کردستان عراق" (اکنون منحل شده است) بود . سامی رحمانی سابقاً "یکی از وزراء" کابینه بعث عراق نیز بوده است . این شخص بعدها به داور دستهای بارزانی پیوسته و در بهار سال ۱۹۶۵ همراه با بارزانی به ایران رفته است . هنگامیکه سایرینا هستند گان کرد عراق را در اردوگاههای اجباری اسکان میدادند یا آنها را بعنوان نیروهای ضد انقلابی جهت تحکیم محمد رضا پهلوی بکار میگرفتند . سامی رحمانی با پاسپورت ایرانی و در کمال آزادی در شهرهای اروپا به عیاشی و خوشگذرانی مشغول بود . سامی رحمانی گاهی در سفارتخانههای ایران در وین یا استکهلم و لاهه و گاهی در اردوگاههای کردهای عراقی رانده شده در اروپا دیده میشود .

بعد از مدتی اقامت در وین با راه‌های تشویق سامی رحمانی گروهی از
کردهای مقیم اروپا از راه قاچاق به عراق برگشته تا مجدداً جنگ پارتیزانی
را علیه حکومت بعث عراق سازمان دهند و این هنگامی بود که یکسال و نیم
از قرارداد الجزایر که بین عراق و ایران منعقد شده بود میگذشت
و این قرارداد بتدریج در معرض از دست دادن ارزش خود میبود.

گزارش سناتور "پایک"

نوشته‌ی زیر بخشی است از گزارش سناتور پایک در باره‌ی سازمان سیا که به کمیته سنای آمریکا داده شده است. این گزارش در تاریخ ۱۹/۱/۱۹۷۶ با تمام رسیده و در ۱۶/۲/۱۹۷۶ از طرف روزنامه آمریکائی (ولیمج وولیز) منتشر گردید. این سه برنامه که عمیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بعد از تجربیات آمریکا در هندوچین قسمتی از بهترین عطیات اخیر سازمان سیا میباشند. ما زبان سیا با تمام قوا در حفظ این اسرار کوشیده است. یکی از این گزارشات یا برنامه روی اساس کمکهای مالی به بعضی از نیروهای طرفدار آمریکا در یکی از مالسک هم پیمان آمریکا میباشد. (منظور ایتالیاست).

دو مین گزارش مربوط است به تقاضای یکی از رهبران دایر بر پشتیبانی سلححانه آمریکا از یک جنبش سلححانه که بدستور ریاست جمهوری صورت گرفته است (منظور نیکسون و شاه ایران است)

سومین برنامه مربوط است به پشتیبانی سیاسی و نظامی و مالی از طرفداران آمریکا در آنگولا است که این برنامه بنا به تقاضای یکی از ممالک دنیای سوم بوده است (منظور زیمبابوئه است و رهبر زیمبابوئه یعنی موگبوئه). همچنین گذرگه در جریان تحقیق روی مسائل دیگر در جریان این سه پروژه قرار گرفت. برای مثال یکی از این مسائل تحقیق دوباره‌ی ارسال سلاح به خارج بود که برده از روی یکی از کارهای مهم سازمان سیا بود. این گزارشات نمیتواند کاملاً اسرار سازمان سیا را در سال ۱۹۶۵ فاش نماید ولی کمیته اعتقاد دارد که اینها نمونه‌های خوبی از اعطال سازمان سیا میباشند و همچنین تکمیل بودن و درست بودن گزارشها را تأیید میکند. ولی همه‌ی نتیجه‌گیریهایی که کمیته را تأیید نمی‌نماید.

گزارش دوم: یکی از برگهای این گزارش ناتمام است. از محتوای گزارش معلوم است که کم شدن این برگ از گزارش باعث بحثهای تند در بین مقامات آمریکائی شده است و بحثهای آنها بیشتر روی کمکهای مخفی آمریکا به کردها علیه حکومت عراق بوده که توسط شاه ایران انجام میشده است (۱)

بالاخره در ملاقات خصوصی شاه ایران با کسینجر رئیس جمهور آمریکا با پرداخت ۱۶ میلیون دلار به کردها موافقت میکند. آمریکا با تمام نیرو سعی در مخفی نگه داشتن این کمکهای مالی میکرد و حتی برخلاف قانون اساسی آمریکا که کمیسیون چهل نفری در این موارد باید از جریان با خبر باشد، کمیسیون را هم در جریان نگذاشته و فقط (های. ج. ب. کانالی) وزیر سابق خزانه داری شاه ایران را از این قرارداد با خبر نموده است (۲)

کسانی که این کمکها را دریافت میکردند کردهای عراق بودند که برای بدست آوردن حکم ذاتی می جنگیدند. عراق و ایران مدتها شدیداً با هم خصومت داشتند ایران و عراق از نظر ایدئولوژی و ارتباط با آمریکا با هم فرق فراوانی داشتند طبق مدارکی که توسط کمیته جمع آوری شده اند نشان میدهد که این پروژه بیشتر بخاطر ایران انجام میشده که با سازمان "سیا" همکاری نزدیک داشته و ایران خود از جانب عراق احساس خطر نمیکرده است.

برای آنکه کمکهای ایران به کردها از کمکهای آمریکا بیشتر بوده است بنابراین کمکهای آمریکا بمنوان یک چیز سمبولیک باید در نظر گرفت. طبق مدارک بدست آمده نشان میدهند که آمریکا مدافع آن بوده است که شاه ایران بهیچ عنوان از پشتیبانی کردها چشمپوشی نکند. (۳) سی سال زمان و هزاران کشته و ۱۶ میلیارد دلار ریولحت از دست رفت چون حکومت ایران کمکهای خود را از کردها دریغ

داشت و آمریکا که مدافع این کمکها بود به قتلش وفا ننمود. (۴)

ظواهر نشان میدهد که اگر آمریکا به تقاضای ایران در مورد کمک به کردهای عراق را نمیپذیرفت امکان زیادی داشت که کردها با حکومت صلح میکردند و بیک نوع خود مختاری میرسیدند و از خونریزی هم جلوگیری میشد.

در حقیقت مشربهایمان یعنی کردهای عراق جنگیدند و هزاران کشته دادند و دویست هزار نفر ^{بنا} چنانچه شده شدند. بدون شك این قدمهای مهم در ندادن کمک به کردها در نتیجهی این مسئله بود که نیکسون و کسینجر میترسیدند که با دارا از کمک به کردها فاش شود. نتایجی که سرانجام به میل و مرام ایران نبود. همچنین معلوم شد که دلیل پنهان داشتن این برنامه بنا به تقاضای وزارت امور خارجه بود که مخالف این چنین پروژهها بود و بعلاوه وزارتخانه هم از این مسئله آگاه نبوده است. (۵)

کمیتهی مجلس سنا بیشتر از این از سیاست حکومت آمریکا ناراضی بود که هدف آن عدم موفقیت آمریکا بوده است. یک سند این کمیته نشان میدهد که رئیس جمهور و دکتر کسینجر و شاه ایران امیدوار بودند که مشربهایمان هرگز موفق نشوند. (۶) و آنها خواستار جنگی بودند که نیروهای عراقی را به تحلیل ببرد و این سیاست مشربهایمان گفته نشده بود.

فقط کردها را تشویق به ادامه و طولانی بودن جنگ میکردند. حتی در یک چارچوب عطفی مخفی هم سیاست آمریکا در این مورد سیاست بیشرمانه بوده است. خصوصاً مسئله اینجا جالب میشود که نیکسون و کسینجر براه سرگرم کردن عراق، کردها را تشویق به ادامه جنگ مینمودند و از طرف دیگر از حملههای قاطع به ارتش عراق برحذر میداشتند زیرا ممکن بود که کردها موفق

شوند زیرا جریاناتی دیگر کشورهای همسایه را کاملاً بخود مشغول کرده بود. (۷)
تمام کمکهای آمریکا از طریق همکاریان صورت میگرفت چون آمریکا بطور مستقیم
امکان کمک زیادی را نداشت. به این طریق هم برای ما و هم برای آمریکا نفعاً
دو جانبه بود و برای همین منظور بود که بعضی آنکه ایران یا عراق به توافق
رسید از کمک به خودداری نمود و آمریکا همراهی جز قبول این توافق
عراق و ایران را نداشت.

کردها آشکارا غافلگیر شدند. عراق که میدانست قطع کمکهای ایران به کردها^{ها}
عراق حتمی است یک روز بعد از توافق بین ایران و عراق حطه‌ی سه جانبه به کرد
را نمود. (۸) و بدین ترتیب مسئله خود مختاری بی پایان رسید و مشربهای قدیمی
ما در مقابل ارتش عراق توانایی نداشتند و بالاخره دست از جنگ کشیدند
هنوز عمل بیشرمانه‌ی آمریکا و ایران در مورد کردهای عراق کاملاً برای اذهان مردم
روشن نشده است. (۹) غیرمعتراضات پارزانی و سایرین به رئیس‌جمهور
آمریکا و کسینجر و باز حاضر به کمک دادن به هزاران پناهنده‌ی کرد عراقی که
در اثر ترساندن کمک نظامی به ایران آمده بودند نشدند. همچنین یک مقام
عالی‌رتبه آمریکایی به کمیته مجلس گزارش داده است که: کارهای پنهانسی نباید
با کار میسیونرها همان قاطبی شود. (۱۰) (قسمتهای اولیه‌ی این یادداشتها

در دسترس نبودند). ما نمی‌خواهیم توی این کار و بار بیافتیم حتی بصورت
غیره مستقیم. چون ممکن است این کار باعث طولانی شدن جنبش بشود و این هم
بدان معنی است که تجزیه طلبی نضح بگیرد و با ممکن است شوری از آن برای در
فشار قرار دادن دو هم بی‌مان ما یعنی ترکیه و ایران استفاده نماید. در گزارشی
که نماینده سیا در تهران برای مرکز سیا در واشنگتن ارسال داشته عقیده سفیر
آمریکا در تهران را در آن گنجانده و می‌گوید:

من مخالف دادن کک طالبی به جنبش کردها هستم . مگر آنکه ملاحظات سیاسی در میان باشد که من از آن بی‌خبرم زیرا عواقب این سیاست روشن نیست . اگر ط به کردها کک کنیم و سپس از دادن کک خودداری نطایم نتایج آن عدم تفاهم خواهد بود و ممکن است باعث تیرگی مناسبات قیامین ما و هم پیمانان گردد (یعنی ایران) . در جای دیگر در ماه اوت ۱۹۷۱ و مارس ۱۹۷۲ این پیشنهاد داده شد . در مارس ۱۹۷۲ دکتر کیسینجر مذاکرات طولانی با مقامات عالیرتبه وزارت خارجه را نمود و دوباره پیشنهاد را رد کرده است . ۲- خیلی مواقع بارزانی عدم اعتماد خود را نسبت به حکومت ایران نشان داده است ولی در عین حال به آمریکا اعتماد داشته و گزارش شده است که : غیر از آمریکا به هیچ قدرت بزرگی اعتماد ندارد و اظهار میداشت که اگر موفق شود : آماده است تا به پنجاه و یکمین ایالت آمریکا تبدیل شود و دوستی عمیق بارزانی و کیسینجر از آنجا معلوم می‌شود که در جریان ازواج کیسینجر سه تخته قالی گرانقیمت و گردنبند طلا و مژین به الماس به عنوان هدیه به ایشان تقدیم کرده است . دولت آمریکا ارسال هدایای بارزانی را برای کیسینجر مخفی نگاه داشته است .

۳- قطع کک به کردها رهبر آنها را متعجب کرد . با خبر کردن بارزانی بوسیله ایران . در یک تلگراف از رهبر سیا در تهران به مرکز سیا در واشینگتن شرح داده شده است . در و مارس یک نماینده ایران به مرکز کردها رفت و با کمال تعجب به آنها گفت : الف - مرز به روی هرگونه حرکتی بسته شده است . بعد انتظار هیچ گونه کمکی از ایران را نداشته باشند .
ب - باید با عراق به توافق برسند .

ج - واحدشای نظامی کرد تا فقط بتوانند در گروهای کوچک و پس از تحویل دارن اسلحه‌هایشان به ایران پناهنده شوند .

۴ - قدمهایی برداشته شده بود تا وزارت کشور آمریکا از این اعمال اطلاع پیدا نکند . مدارک نشان میدهد که در اصل چنان طرح ریزی شده بود که حتی سفیر کبیر آمریکا در ایران و عراق از این واقعه با خبر نشوند

بعلاوه شواهدی که در پرونده می‌کمته است در رابطه‌ی اینکه وزیر کشور ویلیام راجرز هرگز از این واقعه با خبر نبود ، با هم تضاد دارند .

کارمندان کیسینجر و سیا فکر میکنند او بوسیله‌ی یوآکس جانسون - یک عضو کمیته - با خبر شده بود . در مصاحبه‌ی با کارمندان راجرز گفت که او

مطمئناً با خبر بود . است ولی در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ یکسال بعد از آنکه رابطه

با کردها شروع شد راجرز در تلگرافی ذکر میکند که او از واضع خبری ندارد

۵ - او واضع کردها که هر روز بدتر میشد نشا نگر این بود که کشورهای کتک کنند

آنها واقعا خواهان خود مختاری واقعی کردها نبودند . یک گزارش سیا در

۲۲ مارس ۱۹۷۴ بطور روشن موضع ایران و آمریکا را بیان میکند : "بمنظر ما ایران

به تاسیس یک دولت خود مختار راغب نیست . ایران مانند ما از حالت نه جنگ

و نه صلح سود میبرد در آن عراق بخاطر قبول نکردن خود مختاری

محدود بوسیله کردها ضعیف میشود نه ایران و نه آمریکا خواهان حل مسئله

کرد و عراق میباشند .

۶ - سیا اطلاعاتی در دست داشت که نشان میداد بعضی اینکه دو کشور بوسه

توافق برسند ، کردها را رها خواهند کرد . دو ماه بعد از شروع عملیات در

۱۷ اکتبر ۱۹۷۳ با گزارش سیا میگوید : "ایران ظاهراً توسط وزیر امور

خارجیه دولت دیگری از عراق خواسته است در صورتی که معاهده بین عراق

و ایران ملقسی شود ایران حاضر به صلح می باشد " . گزارش سیما نشان میدهد که ایران از کردها فقط بعنوان يك "ورق بازی" در اختلافات با عراق استفاده میکند . گزارش ۲۲ مارس ۱۹۷۴ سیما کردها را وسیله ای برای ضعیف کردن عراق در يك طعراجوشی جهانی نشان میدهد .

۷- در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ نامهای از کساح سفید توسط کمینجر به مرکز سیما فرستاده شد " رئیس جمهور با قضاتی که در پاراگراف ۳ نامه ۱۵ اکتبر شط شده است توافق دارد . بنابراین شما باید جوابی به کردها بفرستید . ما صلاح نمیدانیم شما حمله ای مسلحانه ای را که يك دولت دیگر به شما پیشنهاد کرده شروع کنید . برای اطلاع شما ، ما بوسیله ای سفیر کبیر خود با ایران تماس گرفتیم و هر دو با نظر مسا موافقت کرد " .

۸- حمله يك روز بعد از اینکه توافق نامه را امضا کردند شروع شد و کردها را تعجب کرد . کردها در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ بیخانی برای مرکز سیما فرستادند : " بین مردم و نیروهای ما گنجی و ترس وجود دارد . زندگی مردم ما در خطر است . ناپودی - کامل نزدیک است . توضیحی وجود ندارد . ما از شما و (ی . اس . ک) میخواهیم که مطابق قولهایی که داده اید دخالت کنید و روی متحدان را زمین نیندازید ، زندگی رهبر ما و آبروی ما را نجات دهید و يك راه حل شرافتمندانه برای ما پیدا کنید . همان روز تلگراف زیر توسط مرکز سیما در ایسران برای سیما در واشنگتن فرستاده شد : " آیا مرکز با دفتر کمینجر در تماس است ؟ اگر (یوه . اس . جی) این اوضاع را طوری حل نکند که کردها متوجه شوند ما مسئله آنها خیانت کردیم و امکان دارد همه چیز را غلطی کنند ، ایران نه فقط آرزوی سیما ، سوس آنها را ندیده گرفته است بلکه زندگی هزار کودک در خطر ناپودی است " . مرکز سیما در ایران پیشنهاداتی به (یوه . اس . جی) میکند که مسئله را چگونه حل

نماید و در خاتمه مینویسد " این تنها چیز شرافتمندانه است که (یوه اس . جی) باید انجام دهند ."

۱- در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ نامه‌ی زیر از بارزانی به هنری کسینجر رسید: " هالیجناب
بناظر اینکه ما اعتقاد به حل مسالمت آمیز اختلافات مانند اختلافات ایران و عراق
داریم و خیلی خوشحالیم که دو کشور به توافق رسیدند ولی قلب ما خونین
است که نتایج نوری پس توافق نابودی کامل مردم بی دفاع طاست در حالی که عراق
بزرگترین حمله خود را به ما شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد . ایران مرز خود را
بروی ما بسته و تمام کمپهای خود را قطع کرد طاست . جنبش ما و مردم ما در سکوت
کامل شده رویه نابودی میروند .

هالیجناب ما اعتقاد داریم که ایالات متحده یک مسئولیت سیاسی و اخلاقی نسبت به
ملت ما که فدای سیاست های شما شده اند دارد . در اوضاع کنونی از حضرت عالی
پس خواهیم که به خواسته های زیر ما فیراً رسیدگی شود :
۱- حمله را متوقف کرده و مذاکره بین ما شروع شود تا به یک راه حل شرافتمندانه
رسیم .

۲- نفوذ در ایران را به کار ببرید تا ما بتوانیم نیروهای خود را تاقیل از رسیدن
به یک توافق در مناطق خود نگاه داریم . آقای وزیر ما منتظر جواب نوری شما هستیم
بیطمنیم که آمریکا در این دوران بحرانی بی تفاوت نخواهد بود"

۳- در ۲۲ مارس ۱۹۷۵ تلگرافی از مرکز سیا در ایران به مرکز سیا در واشنگتن شد
جوابی از هنری کسینجر وزیر کشور به بیغام بارزانی نرسید طاست دو
بیغام دیگری که به وسیله راه پود دریافت شد امروز صبح برای شما فرستاده شد . . .
رصدی بودن اوضاع تلگرافی بارزانی را تا آنکه چگونه از (یوه اس . جی) میخوانند
آ با بکار بودن نمانده خود در ایران آتش پس را ادامه دهند . این را خواهد داد

تا پناهندگان به سلامت به مقصد بروند . . . بنابراین اگر (پیو . اس . جی)

می خواهد میانجی شود باید فوراً وارد عمل بشود . "

۱۰- بیشتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر به ایران فرار کردند ولی در آنجا نه ایران و نه

آمریکا تسهیلاتی برای آنها فراهم نکردند . در حقیقت ایران بعداً ۴۰۰۰۰ نفر

از آنها را مجبور به بازگشت کرد . اگر چه قانون پناهندگی سیاسی شاطح حال تمام

کردهای پناهنده می شود ولی آمریکا حتی اجازه نداد یک نفر به ایالات متحده برود .

www.iran-archive.com

باززانی و اسرائیل

نفر صهیونیستها در پشتیبانی از جنبش باززانی بر علیه عراق به وسیله یکی از کارمندان ارشد دولت اسرائیل که در این ماه موریت مغنی شرکت داشته و فاش شده است.

این اعترافات در یکی از شماره‌های روزنامه یومیه صهیونیستی "عیونت اهروتوت" بتاريخ ۱۰ مه ۱۹۷۸ به چاپ رسیده و در شماره بین‌الطنی "اورشلیم پست" بتاريخ ۱۶ مه ۱۹۷۸ تکرار شده است. در این مقاله "ایرالیاو" نماینده پارلمان اسرائیل اعتراف میکند که او در سال ۱۹۶۶ و توسط نخست وزیر وقت "لدوی اشکل" (ماه موریت یافته بود که با مصطفی باززانی رهبر فتوئال کردها ملاقات کند.

هدف از این ملاقات تقویت باززانی بر علیه دولت عراق بود. الیاو که در آن زمان سمت نمایندگی نخست وزیر را دارا بود و روشن نکرده است که چگونه او دستاورد تعدادی جیب و چند کامیون و یک بیمارستان مجهز سیار به مخفیگاه کردها رسید مانند آنچه که روشن است او یا اجازه شاه و دولت مرتجعین از خاک ایران عبور کرده است.

در ادامه مقاله الیاو میگوید که او کردستان را یکک بمر از شد باززانی و ایدریس که به زبان روسی تکلم میکردند است و در زند در طی سفر به رهبر تجزیه طلب پیشنهادی برای پیاده کردن یک برنامه رفاهی امدادی ارائه داده است. در ضمن باززانی به الیاو گفته است که بیمارستان سیار (اسرائیلی) کمک شایانی به کردها کرده است و جنبش او این کمک صهیونیستی را هیچوقت فراموش نخواهد کرد. یک دندانپزشک که همراه اولیاو بوده بدست یکماه بر روی دندانهای باززانی کار میکرده است.

نویسنده مقاله "اورشلیم پست" در خاتمه مینویسد که: "اولیا و بعنوان هدیه
 خدا حافظی در قبضه خنجر دریافت کرد یکی برای خود شرویکی بسرا
 سخنگو پارلمان وقت "کسادین لوز" . مقاله اولیا و با عکسهای از خود او
 بارزانی و دندانپزشک فوق الذکر در حال تعمیر دندانهای بارزانی تزئین شده بود
 گزارش اولیا و اولین تا نید علی گزارشهای بیایی ای است که مکروا " از نقش مؤسسه
 دولت اسرائیل در پشتیبانی از کردها سخن میراندند . مثلاً در ۱۷ سپتامبر
 ۱۹۷۲ " واشنگتن پست " طی گزارشی خبر از ورود یک گروه اسرائیلی به نواحی
 کوهستانی عراق داد که وظیفه داشت ۵۰۰۰۰ دلار به بارزانی برساند .
 در همین مقاله گفته شد که هدف از این کمک مالی "تغیث کردها بر علیه عراق
 دشمن دیرینه اسرائیل بوده است . در ادامه همین مقاله برید معانی از یک
 گزارش مخفی سیا ارائه شده است که میگوید: " یک مأمور اطلاعات اسرائیل بطور
 مرتب و طعمیانه ۵۰۰۰۰ دلار به بارزانی میدادند . هنگام بازگشت به
 تهران (مأمور مخفی) گزارش داده است که بارزانی در تدارک جمع آوری اسلحه
 و افراد است که در صورت لزوم با دولت عراق مقابله کنند .
 این گزارش جنین ادامه پیدا میکند: دلیل عمده سفر " زوی زامیر " وزیر اطلاعات
 اسرائیل این بوده است که در مورد احتمال کمک بارزانی به یهودیهای عراقی که
 قصد مهاجرت دارند با او مذاکره کند . هدف دیگر زامیر این بوده است که
 خصومت کردها را بر علیه دولت عراق تشمین کند . همین روزنامه (واشنگتن پست)
 در شماره ۱۲ مه ۱۹۶۹ اشاره کرده بود که هیرونیستها با ارسال مخفی
 اسلحههای ساخت شوروی که در سال ۱۹۶۷ از اعراب به غنیمت گرفتند ، کردها
 را تقویت میکرد فاند .

گزارشهای مشابه دیگری که از همکاری صهیونیستها و جنبش کرد سخن میراندند
برای مثال در ^{۱۷ آوریل} ~~نویسنده~~ ۱۹۷۵ بچاپ رسیده بودند . محتوای گزارش این بود
که برای پنج سال دولت اسرائیل با همکاری دولت امریکا و ایران همکاری
کرده ها اسلحه و کمک نظامی مفرستاده است . همین گزارش حاکیست که در آن
دوره شاه از کردها حمایت میکرد ولی قادر نبود از محموله تسلیحات خود که از
امریکا وارد میشد ، به کردها هم کمک کند . بالنتیجه کمک نظامی امریکا به کردها از
طریق اسرائیل ارسال میشد .

روزنامه نیوز لاین - ۲۳ مه ۱۹۷۸

www.iran-archive.com

مجلسه نیویورک: بارزانی و اسرائیل

... تمامی کشورهای عرب نشین - منجمله دشمن کردها - عراق - متوجه جنگ ۱۹۷۳ شده بودند . بارزانی این موقعیت زمانی را بهترین فرصت برای مقابله تشخیص داد .

با وجود این ، دستور کسینجر این بود که بارزانی باید از جمله چشم پوشید برای کردها این تصمیم کسینجر بخایه خیانتی بود به اسرائیل و به کردها ، ایتیم محروم شدن از یک پیروزی درخشان نظامی بود و برای اسرائیلی ها ، که با التماس از بارزانی تقاضای شرکت در نبرد مشترک علیه اعراب را کرده بودند بقیعت بسی - نصیب شدن از همکاری کردها بشمار میرفت .

با وجود اینکه کمیته هایک دستور آمرانهی کسینجر را که " حطه (کردها) نباید صورت بگیرد " گزارش کرد (این کمیته) اهمیت زمان صدور این فرمان را میدید ، مطالعه قرار نداد . ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ تاریخ صدور این دستور بود . شب قبل ، ارتش اسرائیل از کانال سوئز گذشته وارد خاک مصر شده بود . واقعاتی کسه و برآستی نقطه عطف جنگ بشمار میرفت . پس از حطل شدن چند شکست در روزهای اول جنگ ، اسرائیل نه تنها رو به پیروزی تهاذ بلکه در موقعیت قرار گرفت که میتواند ضربات مهلکی به دشمنان عرب خود وارد آورد و این برای کسینجر - کابوسی بیش نبود . در واقع پیروزی اسرائیل کسینجر را به وحشت می انداخت . به دلیل اینکه اگر پیروزی ای مشابه جنگ شش روزه تکرار میشد ، کسینجر نمیتوانست اسرائیل را به نشستن پشت میز مذاکره وادار کند . نتیجتاً این امید که بتوانند خابور میانه را به شکل دلخواه خود فرم دهد به باد فنا میرفت .

در روز ۱۶ اکتبر ، کسینجر با خبر پیروزی موفق اسرائیل رهبر شد . در همان روز او تصمیم خود را در قبال آزاد گزاردن کردها (و با عدم آن) گرفت .

آزاد گذاردن کردها در واقع به معنای کمک به اسرائیل و تضمین آزادی کردها بود. در آن روز بخصوص، ایده کمک به اسرائیل در صدر اهداف کسینجر جای نداشت همچنانکه پیروزی کردها خواست او نبود. نتیجتاً جواب او به کردها چیزی نبود بجز "نسه".

اطلاعیهٔ ذیل توسط کسینجر به رئیس‌سیا فرستاده شد. "شما باید جواب ذیل را فوراً به کردها اطلاع دهید. ط نمی‌خواهیم و تکرار میکنم، نمی‌خواهیم که شما (بارزانی) پیشنهاد دولت اسرائیل را جنس بر مقلبه نظامی و دفاعی (بر علیه عراق) قبول کنید".

کسینجر سنکر شوق را در مقابل ویرانی اعراب مستحکم کرده بود.

مجله نیویورک - ۴ اکتبر ۱۹۷۶

از - ارون لاتام

www.iran-archive.com

جیسیم هوکنسند از راهبهای مثنوی (احتمالاً ایران) به مقر فرماندهی
 ملا مصطفی رفته با وی صاحبیه زده است . ملا مصطفی در این مساعیه از امر کما
 کمکهای " سیاسی و انسانی و نظامی " میخواهد " چه عینی و چه مثنوی " .
 در این سالها که عراق نفت خود را طی کرده است ، ملا مصطفی میگوید : که اگر
 دولت عراق قبلاً با او صورت میکرد او با طی کردن ناگهانی (!!) مناطق نفت -
 خیز کرکوک مخالفت میکرد . بارزانی گفت : ط حاضریم تا آنجا که بتوانیم با سیاست
 امریکا در این منطقه موافقت کنیم ، بشرط اینکه امریکاییها از ط در مقابل " گرگها "
 حفاظت کنند .

" اگر کمک آمریکا به اندازه کافی باشد ، میتوانیم مناطق کرکوک را کنترل کنیم و
 بگذاریم که یک شرکت آمریکایی در آنجا فعالیت کند . . . " . بارزانی گفت : " ما
 عاملی مهم در خاورمیانه هستیم و کردها با گسترش نفوذ شوروی در عراق مخالفت
 لغند " . هوکنسند از ملا میپرسد : آیا این درست است که او از اسرائیل کمکهای
 مالی و نظامی میگیرد ؟ جواب : " چیزهایی هست که اگر حقیقت هم داشته باشند بهتر
 است درباره آنها حرفی زده نشود " . (رجوع شود به مقاله اسرائیل و ملا مصطفی
 در زمینه کمکها و ارتباط گیریهای ملا و اسرائیل) . ملا در این صاحبیه از کمکهای
 شاه سابق تشکر می کند ولی میگوید که این کمکها فقط به ده درصد نیازمند بهای پیش
 میرسید . او بوضوح گفت که حاضر است از طریق اسرائیل و کشورهای دیگر کمکهای
 از آمریکا دریافت کند اما اضافه کرد که توضیح میدهد که آمریکا بی واسطه یا و
 کمک کند (نه بتوسط ایران) ۱۳۵۲/۱/۶ - از جوزف در پیوسته در رابطه
 با قرارداد دولتی ۱۹۷۱ بین عراق و شوروی " مصطفی عنوان کرد که تقاضای حمایت
 از ناحیه آمریکا را دارد و در برابر آن امتیازاتی را برای اکتشاف و بهره برداری معادن
 نفت (کرکوک) و دیگر معادن کوردستان پیشنهاد میکند . کیهان سه شنبه ۵۷/۱۲/۲۶

کاکه رش احمد کردی یکی از طرفداران قیاده موقت که بوسیله اهالی روستای "بهوران" سردشت دستگیر و تحویل افراد جلال طالبانی شده در گفتگوها خبرنگار اعزامی کیهان اعتراف کرد: کهدریکی از پایگاههای "قیاده موقت" در ترکیه بنام "گوسته شمرزبان" دوره دیده است. وی گفت افراد ارتش ترکیه با قیاده موقت ارتباط داشته و از لحاظ مالی آنها را تامین میکنند. او که پژوهشگر است دو سال بعد توان پناهنده در جرم همشهره بود خود را مارکسیست انقلابی میداند و معتقد است که افراد بد طالبانی انقلابی نیستند! ولی اعتراف کرد که از ساواک ایران به آنها دستور میداد که علیه اتحادیه میهن پرستان کردستان عراق مبارزه کنند. کاکه رش اضافه کرد:

شخصی بنام دکتر کمال (محمد قادر) و مهندس محمد محمود عبدالرحمن معروف به سامی رهبری افراد قیاده موقت را به عهده دارند به گفته این شخص دکتر کمال ابتدا در تبریز بازرانی و عثمیه کرج با پایگاههای قیاده موقت میباشد. کاکه رش در گفتگوی خود اعلام داشت عشایر کرد و کرمانجی بلدی (شهرداری) جوله مرگ ترکیه با افراد قیاده موقت همکاری می کنند و به گفته این شخص هم اکنون ۱ پایگاه قیاده موقت با نزدیک ۷۰ نفر از طرفداران بازرانی در مرز ترکیه مستقر هستند. ۱۰ سوی دیگر ستان ورم طاهری افسر پایگاه اطلاعاتی سردشت در گفتگو با کیهان تأکید کرد که ارتش ایران در زمان شاه با قیاده موقت همکاری می کرده است. وی گفت: در جلال طالبانی با وجود اینکه هیچگاه به خاک ایران حمله نکرده است ولی بما دستور داده میتد که پایگاههای طالبانی را در مرز عراق گلوله باران کنیم. وی گفت: هر کدام از افراد طالبانی را که دستگیر می کردیم تحویل عراق میدادیم. ولی افراد قیاده موقت می توانستند آزادانه در خاک ایران عبور و مرور کنند.

کیهان ۲۳ اسفند ۱۳۵۷

نظریات آیت الله خلخالی در کیهان ۲۹/۱/۵۸

مسئله خود مختاری اگر این باشد که به زبان خودشان حرف بزنند و لباس خود را بپوشند و آداب و رسوم ملی خود را آزادانه انجام دهند قابل قبول است. ولی اگر تجزیه طلبی و استقلال خواهی باشد قابل قبول نیست و سرکوب میشود. مثلاً هطن - هائی که در جبال مردم در زبان هطنیها شریک بودند و در سوریه و عراق بودند نفع تجزیه را ساز کردند. مثلاً در همین اواخر بارزانی می خواست کردستان را مستقل کند. آخر آیا او می توانست با پشتیبانی محمد رضا خان و آمریکا و اسلحه های اسرائیلی و آمریکایی برای طت کردن استقلال بگیرد. او بزرگترین خیانت را بملت کرد کرد.

مردم کردستان عموماً امروز نفرین و لعنت نثار بارزانی میکنند چون او خود را به آمریکا فروخته بود. ملاحظاتی به عوض اینکه از خون شهیدان کرد از قبیل ملا آواره بارزانی دفاع کند. آنها را تحویل ژاندارمری میداد تا بتوانند چند صباحی به خیانت خود ادامه دهد. آخر هم دیدیم که چه برسو کرده ها آورد و آری امروز کشورها صایل حساس و حران و هروست.

مصاحبه بازرانی با کیهان

بازرانی: کار من تمام است

- من همواره مخالف کمونیسم بودم
- زیرا مسلمان هستم
- ما خودمان را مبدعون هیچ کشوری بجز ایران نمی‌دانیم

مسلمان است . خانواده صند
موجودات بی شرف از این نوع را
مبارکات خواهد فرمود .
و هر پیشی گردهای عراقی هم
چنین به نفس از کمونیست ها داد
کرد و آن ها را مستحق کشتار نام
تخلی عراق خواهد . کمونیست ها
به گفته ملا : دشمنان اسلام هستند
و از هر وسیله ای برای امداد
سیستمان حاکم نگذیرند
بیکند

ملا که چندیانی با هوش و
دستی دربار دارد ، گفت : همه
اشکاف من اکثریت گردهای عراقی
طرح های پاپان را در دستگیر
نمایند و این ها را با هم میزنند
که تنها ۱۰۰ هزار نفر آنها خارج
از عراق میسر شود .
انتقیمی اند بعد هزار نفر در
ایران هستند و چند صد روز دیگر
گرد سر در اروپا با دستگیر
ملا گزارش های مربوط است
فرخواست پاهدنگی او و پرسش
افسران را از ایالت صند و
سویس تکلیف کرد و گفت : همه
امپا دروغ بعض است با همی
خواهیم ایران را ترک کنیم و از

نامه نامه در دیوانه گانه کرده است
فر حیران یک سال نبرد ، هیچ
کشوری جز ایران به گره خفت
مکرد . بازرانی گفت : آنها که
بیکاره گره را کشند ، گردانند
و برای ما اشک نماند میروند
تندی هر حمله فیلدانی کلبه ایران
دارد . بعضی ها برای ما سخته
میروند اما هرگز گشت جندی
می گردند . فشاری باز و جندی
دارد . همین . این صحفه است
و در حوضه را مبدعون هیچ کشوری
بجز ایران هستند .
مورثی کیهانی که از دو ماه
پشتی سگزار ترک کرده است و
اگر بیست می کند ادامه داد :

همه تاریخچه ایران بر این پایه کرده
است و هر کسی که میگوید ما
در ایران بودیم ، دشمنان ما
نماندیم ، بی ادب و بی احترام
و آموختگی رفتگی مسکند
گرددی عراق اکنون چه شد
میکند ؟ باوری بر تاریخ به هم
برش گفت می ایستادند و آنها
بر ایستادند ، خود آنها مسکند
نماند . هر دستک با هم میروند
بنداشتن صند که هرگز میروند
نماند و هر خواهی شد می نام
ممدام . صند با هم شده . آرزوی
این است که همه از کوه صند
جود اما شد روزنامه نگاران می
گنویند

بازرانی بدینا به نفس عاجز
کرد عراقی که از خارج علیه ایران
الطهارتی کرده اند ، باج و گشتند
آن ها اسان هستند ، گرد هستند ،
کرد هستند
فرزده بگی از آنها . صند
شریف وانی ، بازرانی گفت او
خودش را فرجه است ، او با یک
هیولان است به صورت اسان
بازرانی فر جمله گفتندش با
گرد کرده بود فرود : کسی که
این طور عمل میکند و خود را
به یاد مبارک حارمی میفرزند

کمونیستی از مصاحبه
اشخاصی امیر طاهرسری
سرزمین کیهان با ملا مصطفی
بازرانی

● که من پایان یافته است و
دیگر هرگز تو رهبری گردهای عراق
نمانی بخواهیم داشته .
● ملا مصطفی بازرانی ، ۲۲ ساله ،
که شاید قطعی ترین و معروفترین
رهبر جنگهای پارتیزانی بر جهان
است . او این تا کید نشان داد که
بی از مصاحبه ای تاریخ عراق ، قطعی
هفته سه شده است .

بازرانی ، کمپون به همسرم
چاوادمش فر سرودگی چرن
رفتگی مسکند صند پیش کرده
دندان او رشم مسان تمام و
سر سوز دلق میروند . هنگامی که
از پایان جنگه سر نشان فرود آمدن
می کشد و پایش رفتگی مسکند
کو پیشتر از آن می کشد .
فر سخن از دنده صند
ملا که اکنون نشان های صند
گردی ، کتار گنارده و گشتند
و نماند میروند و گزوات صند
فر سوز دلق چه رفتگی صند
عقد فر سگزار با کید کرد . هر وقت
صند ، چهر صند فر سگزار صند
صند چو از حق در کمپون است

آهسته آهسته و صدگان را از آن
گرددی است
بازرانی گفت : هرگز به اندازه
افروز احساس نترسیمی و از این
نگردم آمده را نمی توانم پیش
بسی که ام صند میگوید که
حالا فکر نمی کند هرگز به عراق
برگردد

بازرانی افزود که فعلا هیچ نظری
از بازرانی بر سر عراق می خواهد
داشتند اما از این بازرانی و سپاهانی
مکتوبه ای علاج علت ایران را فرود
دارد . طریقه چهر ایران را بهرمان

حارمی به گمانی کیهانی
بازرانی بیاید بود کسه فر
گشته او را به طاق سراج می
خواندند و گفت : این کشته را
نشان من باز کرده است
همواره صند کمونیست میروند
صند صند . هر پیشی انگارانی
فر می کشد کمونیست را میروند
صند . اکثر وجود نامند
حرفه صند صند را با کید
ملا صند که با ملا صند
اندر می کشد صند - گنارده
به سار صند است و نامهای
پیر در . صند پیشی کشانی
فرز در بزرگی صند و پیشی کشانی
میگرد هرگز و اما بیان صند
نگارده صند میگوید که صند
کامل صند است او همان رفیقه
و رفیقه صند رفتگی را که در
رومندی صند - سگزار
فردهایان فر گردان عراق
دانش نامه صند - با این
صند که در افغانستان صند
بودنی عراق صند از جنگ و
صند صند صند روزنامه صند
است

کیهان هفتی شماره ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۱۰ به ۱۹۷۵

نامه های بارزانی

۲۲ تیرماه ۱۹۷۵
وزیران عزیز

نامه هفتم کیستمر به بارزانی

از دریافت پیام ۲۲ ژانویه ۱۹۷۵ شما فوی انماره خوشحال شدم. منوخواهم از تمسین شما برای شما و برای مردشان و کوشش شماانابه ای که مینمائید مطلع اشید. دستورهای که شما تاکنون بوده آید مهم هستند. من از خواندن برآورد شما از موقعیت نظامی و سیاسی بسیار خوشنود شدم. مینوانید اطمینان داشته باشید که پیامهای شما به علت اهمیت که برای آنها تأکیم بود حدی ترین توجه در حالی ترین سطح دولت ایالات متحده به قرار میگردد.

اگر ما می توانیم تأکید نمایم که مورد اطمینان به دانشنگین انجام دارید تا اطلاعات بیشتری در مورد اوضاع به دولت امریکا بدهد تا متخرو خوشحال خواهیم بودی را به بهترین اطمینان را در هر که منفردی در حفظ توانایی ما در انجام آنچه انجام داده ایم دارای اخصی فوی اعانت بوده است. تنها باین دلیل به علاوه توجه به نسبت به امنیت شخصی شما است که من در پیشینه در ملاقات شخصی با شما در اینجا تردید میکنم. در انتظار دریافت خبری از شما.

لطفاً صمیمانه ترین آرزوهای موفقیت و احترامات برابزه برید.

د. ک.

ساده سازایی بنیادگان سنا

شای کنگره ایالات متحده

واشنگتن دی. سی. - ۱۰-۱۰-۱۹۵۰

ستاد / نماینده عزیز:

بدینوسیله نسخه ای از نامه انجمن به پوزیدنت کانرز در مورد گزارش خلی کرد واسفیرتم. از این فرصت استفاده می‌نمایم تا با اطلاعتان برسانم که من بر این اعتقادم که چنانچه مردم آمریکا از طریق نمایندگان منتخب خود از تخاصم که بین ما و دولت ایالات متحده آمریکا صورت گرفته بود آگاهی یافته بود ندهد با آن مخالفت می‌نمودند و لذا ما را ترک می‌کردند. بدون اینکه هیچ آمس رسیدن باشد. و آزادمان می‌کردند تا انگشت دیگری را که در آن زمان در اختیار داشتیم مورد استفاده قرار دهیم و با اینکه از آن پشتیبانی می‌کردند و نگاه احواسات به کردها جلوگیری می‌نمودند.

متأسفانه دولت آمریکا این مسئله را در معرض افکار عمومی مردم آمریکا و کنگره آمریکا قرار نداد. تا خدا همانطور که گزارش گفته نماینده کنگره آشکار می‌سازد کردها قربانیان سیاست فریب آگاهانه ای شدند. ما بعنوان هارچی هیچگونه دسترسی به کانالهای مادی صالی بسیاری رسیدیم نداریم. لکن ما اطمینان از حریه اکت و انفعال آمریکایی، من شما را بسه عشق آن نماینده مردم آمریکا فرا می‌دانم تا ما نتوانیم به پیوند نشسته‌گان در آلمان فرصت پشتیبانی خود را از درخواست کمک بشود بیستانه تا اعلام و ابرید.

پوزیدنت کانرز می‌باید بطور مستقیم با دستم از خود خود استفاده کند تا به دولت برای فشار وارد نماید تا موافقت نامه ۱۹۴۷ را بطور لایق مورد احرار قرار دهد. کنگره حسابی تمهیدی را به سوازم مارشال در کردستان باز گرداند. و به حدودی مدی مردم کرد احترام گذارد. ایالات متحده همچنین می‌تواند ویرا و پشتیبانی بیشتری برای کردها تعیین کند و رعیتوری که بشود بیستانه در آمریکا حیثیتند فراهم کند.

در زمانی که دستگاه حکومتی جدید و کنگره توجه افزاینده‌ای نسبت به مخالفین و خلقبسیار نخستین مردم و سراسر جهان ابراز می‌دارند و ما تنها خواهانیم که مسئله ما فکیده شود و به تلقی ما گفته شود.

ما امید فراوان و خوشامی فراوان در انتظار داشتن فرمتی برای ملاقات شخصی با شما و همچنین برای آن ای که در صورتی که بهتر تر از وی کرد و با شما بحث کند می‌توانم. در اولین

شرایط دشوار ساخته ام که نه آنقدر بزرگم که نتوانم نگاه کنم و نه آنقدر کوچک که نتوانم بفهمم -
اگر این را به خلق من را به کردستان باز خواهد گرداند .

با سلامهای گرم و بهترین آرزوها
ملاحظاتی بازرسی و صدور پارتی و مرکبات کردستان

۲۲۲۲ ملایکین

ارک تون ، جرجینیا ۲۲۱۲۴

۲۲۱۱۹-۲ (۷-۳)

www.iran-archive.com

تسامح سازدانی به کارش

۹ فوریه ۱۹۲۷

بزرگداشت حمی کارش

کاخ سفید

واشنگتن دی. سی . ۲۰۵۳۰

بزرگداشت کارش عزیز :

بناز هم نبرک سیاست پیروزی ریاست جمهوری نان . ضمن دنبال کردن از نزدیک کارزار تبلیغاتی ریاست جمهوری شما ، و شنیدن تاکید مکرر پشتیبانی غیر مبهم شما از حقوق اولیه بشر برای خلقها در همه جا ، باعث خوشنودی و قوت قلب فوق العاده من شد .

این امید است که سبب شود به شما نامه بنویسم و بطور مختصر خطوط کلی مسائل و وقایح را که سمر به سقوط و پراکندگی نهائی مردم کرد شد ترسیم کنم .

چراز باهاں جنگ حیوانی اول ، و با سقوط امپراطوری عثمانی ، کردستان جنوبی با آنچه که بمشاورت روسین بین دو رودخانه شناخته میشد متصل شد تا عراق را که تحت قیومیت بریتانیا درآمد تشکیل دهد .

قدرت های متفقین قول داده بودند یک موجودیت کرد تأسیس نمایند ، زیرا که کرد ها

بعد از امراء ، ترک ها و ایرانیان چهارمین گروه ملی را تشکیل میدهند . معاهده سر

در سال ۱۹۱۸ حق کردها را به خود مختاری برابری برابری دیگر خلقهای امپراطوری عثمانی

تائید کرد ، لکن منابع بین المللی از اجرای معاهده جلوگیری کردند و بدین ترتیب سرکوشش خلق

کرد تا پیش ما می ماند .

ارائیس کردها مکررا محصور بوده اند علیه ادعای امساری توسط اشغالگران و بدینسان

کسب حداقل عدالت و برابری برای جنس در زمین خودشان از خود دفاع نمایند .

کردتای ۱۹۵۸ که به نظام سلطنتی در عراق حاکم داد و حکومت نظامی تحت رهبری

و نواز اسم را سرنگ کرد قول داد که حقوق ملی کردها را با ایشان بدهد . هرچکه رژیم جدید

تحت نفوذ شوروی قرار گرفت ، این تعهد در هیچ و برجی که توسط کمیته شما در سراسر

عراق ایجاد شد کم شد .

بناظر امتنان کردها به دموکراسی و آزادی ، من نتوانستم در برابر خلق حامی هایی که توسط

گورنریستان عراقی صورت میگرفته سکوت کنم . متأسفانه ، زمانی که با دانشجویان شما در

دولت ما در برابر زوال قاسم و ماسون عالم‌بنیه دیگر فرار کردیم، خشم آنها برانگیخته شد.
رهبری عراق، با پشتیبانی کونیست‌های محلی و با تشویق اعتماد شوروی، در سال ۱۹۶۱
فرمان داد تا نیروهای مسلح ایزده خلق غیر مسلح کرد حمله کنند.
از آن زمان، انقلاب کرد برای دفاع از خود در جریان بوده است. دولت و دولت به
ناجی‌الملک می‌شده اند. " در هر مرحله این سنگری‌ها، ما با خواص ترین شرایط فرانسویان
دادخواستی داد و بدیم. فراموشی‌های مکرر ما تنها با صدقات مکرر پاسخ داد و شدت
صدقاتی که بنا وارد آمده، آقای رئیس‌جمهور، با آنچه که به اجداد شما وارد شده و بسند
چنان فصاحتی توسط ارجح‌ترین امریکائی - توماس جفرسون - اعلام شده و مستندگشته اند،
بی شباهت نیستند.

۱۶ اردیبهشت سال ۱۹۶۸ م کوفی بهت بجزرد اینکه قدرت رسید طایفه ما اعلام جنگ
نمود. لکن پس از اینکه توانست از طریق جنگ به اهدافش دست یابد، سپهر شد در سال
۱۹۷۰ خواستار مذاکرات صلح‌جویانه ای که در مواضع ۱۱ مارس همان سال به اوج خود
رسید بشود.

مواضعه می‌باید بیفتد که مردم عراق از دولت اصلی تشکیل شده اند؛ احزاب و کرد ها،
مواضعه همچین حقوق ملیت کرد را بر سر می‌نویسند که بهترین در بین آنها عبارتند به سرور از
تاسیس - در طول چهار سال - کردستان مستقل درون جابجوب جمهوری عراق.
اشتیاق ما برای احیای مواضعه تنها ناشی از رعایت عین ط از شرایط آن نبوده بلکه از
اشتیاق ما به برقراری صلح در عراق، و امید ما به اینکه شرکت کرده در دولت سکون
سیاست را دیگران و حصانه یعنی ما را در قبال مردم عراق و کشورهای همسایه مهار نماید.
لکن ما بزودی دریافتیم که مواضعه از جانب بهت تنها یک عدم تأکیدی بوده
است. آنان به صلح داخلی نیاز داشتند و امیدوار پشتیبانی کرده در حرکت جدید
علیه همسایه های عراق بودند. آنان حیوانی استتار کردن ما برای ایجاد مسئله برای ایران،
کویت، عربستان سعودی، و سوریه بودند.

زمانیکه ما از وسیله شدن خودداری کردیم، آنان سیاست عمده کردن سرزمین کردستان را
آهسته آهسته در محبوسه توماس ای را که از نظر نقشه نمی می‌باشند - جایگزین - نقشه عراق
از آنجاست که ۷۰۰ نسخه نقش عراق را در بردارد. در ضمن از صلح برای از میان برداشتن
مخالفین سیاسی در عراق استفاده شد. احزاب دیگرانیک خود شدند و عد همسایگان

اعضایان قتل‌عام گشتند و با زیر شکنجه بقتل رسیدند.

آنگاه تدارک جنگ جدیدی علیه ما آغاز شد، تا پس از سرآمدن مدت چهار ساله‌ای که برای اجرای کامل موافقتنامه خیر شده بود، اعلام گردد. با اعضای موافقتنامه دوستی ۲۰ ساله که در سال ۱۹۷۴ اضافه رسیده پیوندهای پنهان به مسکو بیشتر تقویت شدند. سلاحه‌های پیشرفته شوروی در حجم‌های عظیم، همراه با شخص‌ها و تکنسین‌های نظامی و شروع به رسیدن به مشهد و گردند. نظریه شوروی بهین نسبت در عراق افزایش یافت. رژیم بعث بزودی تا همس جبهه واحدی را با حزب کمونیست عراق طرفدار مسکو اعلام نمود. از پارسی در کسرات کردستان ما دعوت شد که بآن پیوندیم. با تشخیص اینکه پیوستن حزب امیرال ملی به جبهه منوع شده بود، ما مخالفت کردیم تا شوروی از حمله‌ای شروع که در بهترین حالات و ضایع عراق را نمایندگی نیگیرد. این امر با زحم بیشتر عشم بعث را برانگیخت - که آنگاه دست نگار توکل جینی برای اعدام‌های سیاسی و آدم‌زدی علیه مردم کرد شد. دو مؤلف نسبت به من دعوت گرفتند!

همچنین مسالمت آمیز با رژیم بعث غیر ممکن شد. لذا ما به دوستان امریکائی و ایرانیان رجوع کردیم.

ما وضعیت و جدی بودن عواقب کار - نه تنها برای خودمان بلکه همچنین برای ملت‌های دیگر منطقه - در صورتیکه بعث سیاست خود را ادامه دهد، را برایشان تشریح کردیم. همچنین توضیح دادیم که ما نمیتوانیم به تنهایی در مقابل رژیم که توسط اتحاد شوروی پشتیبانی میشد بایستیم. آنان گامی از نظریه پشتیبانی گرفتند.

پس گفته شد که انقلاب کرد هم از امریکا و هم از ایران پشتیبانی دریافت خواهد نمود. چیزی که برای کردها سگن گردد در جابزه شان برای بدست آوردن خودمختاری واقعی و حکومت در کردستان علیه رژیم عراق ایستادگی نمایند. این امر تبادل هویت‌های نمایندگان بین طرف‌های ذی‌نفع را بدنیال داشت و هم آهنگ بین ما و دوستانمان برقرار شد.

زمانیکه قانون خودمختاری - که حداقل حقوق ملی کرد را تضمین می‌کند - بطوریکه جاتیه از طرف دولت عراق در مارس ۱۹۷۴ اعلام شده ما - با آنگاه به رنده کله دوستانمان - آنرا رد کردیم.

در حالیکه دیگر در برنده بود - هنگامیکه در برابر لشکر عراق، صدها تنگه و پست از ضد عراقی‌ها بساز پیشرفت که توسط خلبانهای روس و هندی هدایت میشدند قرار گرفتیم -

ما خواستار دوستان دوستدار هستیم - حتی همان را نیز نخواهیم . ما تنها دوستداریم نامحبوب
- دوستداریم برای آزادی ملت خود و ملت خود .

آقای رئیس جمهور ، ما با تمهید گفته از جانب ملت ایران بزرگ هستیم ، لکن ناگهان
خود را در نبود تنها باقیمانده میروید از کنگ امریکا و ایران و پنهان در سزای بسته
ایران و در برابران اوضاع بدی است . چنانچه بی انتباهی از پیشرفته ترین ملاحظاتی شود
با شرایط و اوضاع اقتصادی ، پائین بودن روسیه ای که ناشی از احساسات از حمایت بوده بخلاف
وجود بیش از ۲۵۰ هزار تن ، کودک و سالخورده پنهان پنهان در ایران ، چاره ای
نداشتیم جز اینکه از روی بیخوشی و بطوری دردناک به ایران عقب نشینی کنیم و کشورمان را به
بست و آنگاه داریم .

ما از نظر نظامی از دشمنان شکست نخوریم . ما بوسیله دوستانمان نابود شدیم .
آقای رئیس جمهور ، آخرین برده از درام کرد هنوز بازی نشده است . اینکه به تازگی
خانه باید و با اینکه با آزادی جدید پایان باید به شما بستگی دارد .
مردم کرد ریاضی داشته اند - احتمالا نه به طاعت نیاس جفرسون شما - لکن به زبانی
مردمانی . آنان برایش جنگیده و مردند ، و برای همیشه در جستجوی حمایت بود . آنان
ایمان و عقید خود را در آن سپید و با این انتظار که تمهید امریکا ، چه نظامی باشد
و چه گسی ، دارای پیشانی است از تیره پولادین . آنان برای برآورده شدن پاداش خود به سن
میگردند . من ، آقای رئیس جمهور ، به شما رجوع میکنم .

آقای رئیس جمهور ، همیشه که بر مردم من وارد آمده بواسطه اشتباهاتشان بوده است به
عدلی و مکرر ، دوستی شان با غریب ، و اشتباهاتشان به اصول امریکا و اطمینانشان از اینکه
این اصول خواهان حمایت از ملل ضعیف بوده از آنان پشتیبانی مینمایند تا حقوق انسانی اساسی
شان را بدست آورند .

ما هرگز به دنبال اشغال سرزمین های دیگر یا سرکوب ملل دیگر نبودیم . ما تنها میخواهیم
که اجازه بایم در آزادی و سرزمین خود زندگی کنیم و با ما بطوری عادلانه و یکسان با
طرفهای دیگرمان رفتار شود .

ما در برای سکه جدید و با حیاچر نیستیم . تیلگان ما هزاران سال در این سرزمین زندگی
کرده اند .

آقای رئیس جمهور ، اگر من اشتباه کاملی به وجود شما ندانم میتوانم از لاجمعی ای

در واقع که کلاه دستارشان هم از نظر نوع و هم مقدار تا جزی تر از آن بود که بتواند بطمسور
مؤثر با ارتش عراق که بمحسوس مجهز بود بستند. به علاوه کلاه همیشه " خیلی کم و خیلی دیر
بود .

علیرغم این کمبود ها مردم ما با شجاعت جنگیدند و در نبرد پهن روی های زیاد بد دست
آوردند و در مات عطشی به نوبه های صلح عراق و تحجیرات آن وارد آوردند. مدتی گسسه
بدون دریافت پلاکامه و نشان تازه شوروی لابل تحمل نمودند .

زمانیکه در رستمان ۱۹۶۰ با استفاده از صربای زیر عمر و بری، مردم ما دست بگسار
نیاهای هلبه دشمن شدند. زخم عراقی خود را سئاسل مات.

در باره ما با ضارت شوروی ، به فریب و تزویر متوسل شد . از طریق پیوندت بوسه بین
انگیزه ارتباطی شاه ایران برقرار شد . ملائجهای غیر حقیقی به امریکا فرستاد شد گسسه
آیات کی بحث را به تفسیر سببش در مورد حسابیه هایش و کاهش ارتباطش با مسکو ، در صورت
عائنه ضمه کرد ، نشان مدار .

آقای راسر جسرور با مخالف روابط خوب میان ایران و عراق نیستیم . لکن آیا این باید
در زانو با صبرت کرد ؟ یا کردهائی که از طریق تمهید ششای شرافت هم به ایالات شده
زخم ایران باسنه برده و با دشمن در اقتدار هم تا نتواند کردن کامل با او جنگیدیم . پاداش
خود بخاری بپورید تا کجاست ؟

- در اردوگاه های پناهندگان در ایران ؟

- در اخراج دستمسی مردم کرد به جنوب عراق ؟

- در پیوستگی در سازمان دنیای خود ؟

- در حراتی خانوارده ها - زنان ، کودکان ، افراد پیر ؟

- در مرگ زیر شکنجه ؟

- در تیس از بازگرداندن ناگیاانی پناهندگان کرد توسط ایالات ایرانی به صبر خود ؟

آیا ملتی به بزرگی ایالات شده امریکا که اصول انسانی شرافت و درستی ، آزادی و دموکراسی

را برای همه خلقها اعلام داشته است و میتواند پس از نقشش در محظوظ کردها سرخود را با

نگهدارد ؟

بنا بر ضرب انگشتی در خانوارده ها " شش خوب را از آنجا میخوانند که اگر برایش کار خوبی

انجام میدهد دور دوچندان کار خوب برای شما انجام خواهد داد ."

که بر سر بنام آند جنگجوی کم . این امر می توانست با تنها پشتیبانی کردن از سیاست بیعت و اتحاد نیروهایمان با آن ، و بدین ترتیب با اتحاد موضعی تعداد با منابع و اصول امریکسها و ایجاد دردمر برای حملات عراق و صورت گیرد .

انگیزان های عالیترین ترین ملاحظات امریکا سبب شد تا از این انگیزان صرف نظر کنم ، و در عوض به اعتقادمان به اینکه در جنگاری با ایران و ایالات متحده به هدف خود سه خود بخود می توانستیم راهمان را بردیم . در عراق - در عراقی - متعلق خواهیم بود . و به تازگی دست خواهیم یافت که در جهت منابع تمام منطقه باشد .

«جنگی که شما بارها در کابینا تینیس خود یاد آور شده اید ، سیاستی که توسط دستگا ، جنگی که نسبت به ملک دوست و متحد دنبال می شد سیاستی ظلم بود ، طرهم برای آنها و هم برای مردم آمریکا . آن سیاست بیعت شد تا دوستان افشارستان را به امریکا از دست بدهند ، که این به نوبه خود سبب شد نفوذ امریکا کاهش یابد و بدین ترتیب حیثیت و اعتبار ایالات متحده در جهان روچار خاطره کرد .

آقای رئیس جمهور ، مردم امریکا به خاطر اتحاد و اعتقاد سرشان به اینکه شما این جریسی اتحادی را بر طرف خواهید کرد و خواهد کوشید اصول بنیاد و ستانه سنتی امریکا را ستر سازید به شما اعتماد کردند .

مردم کردند همیشه خود را دوستان کابل افغانستان برای امریکا دانسته اند ، و امیدوارند که طریقی برنده فترده نارتان ، زبانی را برای دوستی به آینه ایشان اعتماد می دهد و راه حق عادلانه ای برای مسئله شان جستجو خواهد کرد .

مسئله کرادستان ، آقای رئیس جمهور ، به سانار میم در یک خاروجانه مربوط است ، و توجه صریح شما را ایجاد میکند . امیدوارم که این مسئله محل مناسبی در مساجت آید سیاست خارجی شما در مورد خاروجانه دانسته باشد .

حسین ، این امید صریح ما است که دولت امریکا از ملل دوست در منطقه صراحتاً مواظبت دوستانه از تمامیت دوستانه و خودشان استفاده کند تا دولت عراق را قادر نمایند که به حقوق اساسی و فردی انسانی احترام بدهد و سیاست غیر انسانی خود را در شمال کردجا تغییر دهد و کردهای تبعیدی را از جنوب به سرزمین مادریشان در شمال بازگرداند ، و با نظامه ۱۱ فورس ۱۹۶۰ را بطور کامل اجرا نماید .

مخاطب که دولت عراقی بخوبی میداند ، مسئله کرد عاشق شده و انقلاب کرد تا امروز

نگریده است. ملت کرد که قریباً در برابر همه گونه سواست کار کرده، نمیتواند با این سادگی
نابود شود. در مدت کمتر از یکسال که از واقعه مران میگذرد، مردم ما و حزب ما به خود تجدید
سازمان داده و انقلاب گریه در مقیاس کوچکتر از قبل، از سر گرفته شده و چنان نیروی دارد که
سبب شیبای بیخواب بسیاری برای حاکمین عراق خواهد شد.

مما ایندواریم که تعداد بیشتری از پناهندگان کرد در ایران اجازه دخول به ایالات متحد
را بخانده و میزان خلقی ای کنگه عالی به ایشان اختصاص داده شود. همانگونه که سابقاً به
پناهندگان کشورهای مختلف اختصاص داده شده بود.

آقای رئیس جمعی، من دعا میکنم که شما بکشید و غمبانی را که بر ملت من وارد شده
عطا دهید و از آفاتش منی بر بازگشتن به سرزمین مادریشان و احقاق حق اولیبه انسانیشان
تلاش کنید. همانگونه که آنها زمانی در مورد شما آنطور شجاعانه عمل کردند.

مردم من برای سبب از نسیم قرن بمن افتاد و اعتقاد کامل داشته اند. من اکنون این افتاد
را به شما منتقل میکنم.

با امیدهای گرم و عالیترین ارادات شخص.

مصطفی باغی

صدر پارسی و کرات کردستان

۱۱۶۶۳

اولی تو - در جیب ۱۱۶۶۳

دومین تخاصم سارواتسی به کارتر

پرزیدنت جیمی کارتر

کالج سفید

واشنگتن دی. سی.

پرزیدنت عزیز

بدنبال نامه ۱ فوریه ۱۹۷۷ من که پاسخی چه مستقیم و چه غیر مستقیم بدان داده نشده است، مایلیم بار دیگر تصمیم خود را از کوتاهیهای شما برای برقراری مجدد رابطه تاریخی ایالات متحده بعنوان پیشساز آزادی حلقیاً در همه جا اعلام نمایم.

در دستگاه حکمرانی فلی حقوق بشر هیچ محلی در سیاست خارجی امریکا نداشت، و دولت خارجه در واقع اغلب به عنوان جبهه گر بود. استفاده از تکنیکها مقابل کنگره حاضر شدند. حلقی ولادار و دوستی مانند کردها که خواهان کسب حقوقشان بودند بدون هیچ دلیل روشی منطقی برنامهای خارج ملی امریکا فراموش شدند. باخدا همان های حلقی ای که توسط مقامات ایالات متحده و اداره میشدند پشت پا زده شدند. و آنگاه بعنوان اینکه اعمال نهایی سیاست با کار میسر بودی اشتباه گرفته شود "نوبت شدند".

آقای پرزیدنت، کردها در تماس حلقی با ما همین پانزده روزه شده است. تماس با طوریکه برای همیشه وزیر خارجه سابق هنری کسپنگر تأیید میکند. بلافاصله تویست ستونهای ایستالات متحده بود.

آقای پرزیدنت، شما از هدف خروج سیاست خارجی که درستی ارزشهای امریکائی را اعتلا میبخشد شروع نگر میکنید. از آنرو که شما تا کنون موضع ایالات متحده را در مورد حقوق بشر نه کشورهای خارج بلوک اتحاد شوروی توسعه داده اید، و از آنرو که رفتار عراق با کردها یک مورد تمایز ناخمنام به ابتدائی ترین حقوق بشر است، معتقدم که این توسعه اکنون عراق را در برگیرد.

ملاقات اخیر شما و ملاقات نامستوفیس جمهور ماندیل با ولادیمیر پورکینسکی توجه فراوان شما را به موردی مستندیده و آرزوی میمانند شما را برای کمک به پیشبرد "آزادی و حقیقتان برای ما هر دو"، بطور فلی بیان داشت. این امر بلاشک روحیه کثیف مخالفین ششوروی را تقویت نمود.

سه ماهیروزه حلقی کرد سرعراقی که توسط دفاع فلی و بهمدار موافقت خیانت الجزیره در مارش

۱۹۲۰ روسیه خود را باخته اند ، مستحق - بیش از هر کس دیگری - توجه شما میباشند .
ملاقاتی با شما و نایب رئیس جمعیور نامدار کنگه بسیار زیادی در جهت بالا بردن روسیه
آنان خواهد داشت و همچنین به تأیید وضعیت آنان در این - نازک ترین ساعت - در تاریخ
کردستان از جانب شما کمک خواهد کرد .
با امید و خوشنودی فراوان در انتظار ملاقات شما هستیم

ارادتمند

مصطفی باقرانی ، مدیر پاریس دیوگرات کردستان

۱۹۲۳ میلادی لندن

ارکندین ، سورجینا ۱۳۱۲۴

www.iran-archive.com

امروزه سازمانهای پنهانی شاه سابق علیه کودتاها

نهمین شماره ۱۰۷۲۰

ایران - عراق - موزمبیق
 پهل پل آورده بود و نمودات
 همه نیروهای مسلح گر را
 قلع کرده و مانع از اجسرای
 کامل فرمان پارتی ملی بر
 مبارزه ملت کرد علیه دولت
 عراق شد - در سال ۱۹۶۴
 که پارتی ملی با تصویب کردند
 یا دولت عراق باره مخالفت
 بودند چون دولت ایران با
 توجه به عدم وجود روابط
 دوستانه با عراق مخالفت
 لفا طالبانی می کرد که
 را به صحنه اندازد کند - بنا
 که نیروهای پیشمرکه به
 توسطه های طالبانی می بودند
 طالبانی و افرادی به سرانست
 ایران گردیدند و یک تپه شان
 از ارتش ایران از آنها سبب
 کرد طالبانی با حکومت دولت
 عراق باعث کشتار حث در برابر
 پیشمرکه کرد و آتش گسیه
 شدن ۴۰۰ نمکند کرد شری
 شد و در سال ۱۹۶۸ که ایران
 ۱۱ فروردین پارتی ملی و حسین
 میرزا گرفت دوستانه
 تکامای پیشش کردند و
 پارتی ملی بنابر وحث دروما
 موافقت کرد که طالبانی و
 افرادی بگروستان عراق بار
 گردند -

بمناقت گفت چهار سال از
 توافق ۱۱ مارس توافق برای
 خودمختاری کردستان عراق
 طرحی تهیه کردند که ف
 امن خودمختاری بود که
 اگر با قتل میگردیم این
 خیانت به ملت کرد است
 و دولت عراق بر آن موافقت
 به بهترین صلاح میسر بود
 و از عهده عقیده دریا هم
 ناچار از دولت وقت ایران
 که عراق زدن با دولت عراق
 مخالفت بود گفته گرفتیم
 اینکه با شاه موافق بودیم و شاه
 قول داد که بعثت کرد گسیه
 کند مخالفت کرد در نیمه راه
 بود که شاه با صدم حسین

پارتی ملی در مسوود
 خودمختاری کردستان گفت
 اکنون بیشتر صائی که می
 شوم در چارچوب اسلام و
 برابری است و همانطور که
 در قرآن نیز خوانند تارکرو
 تاملی میفرماید اما المؤمنون
 اخوة و همه مسلمین برابرنده
 بازم حقوق برابر کوچک
 نباید یوسیه برابر بزرگ چهار
 جنبه سیاسی و چنانقتصادی و
 فرهنگی مشخص خود ولسی
 نیزان حقیقی این حقوق را
 بایدگان و تقیر کردهای ایران
 دولت اسلامی ایران تعیین
 خواهند کرد وی افزود:
 شاید پس از خودمختاری مشکلی
 پیش آید ولی ما میبایست
 با شجاری تمام ملت ایران
 و علاقه داشته به حفظ وحدت
 ملی و همکاری بین ملت ایران
 وجود دارد همه مشکلات رفع
 شود - پارتی ملی همچنین گفت
 در این خودمختاری تصور می
 کردیم که با همکاری
 اقتصادی و سیاسی خارجی
 امورشان را دولت مرکزی
 روانه پارتی ملی و سایر طالبانی
 پارتی ملی میگویند این
 روایه طالبانی و نیرومستکش

از فرصتهای پیشمانه نهایت
 استفاده را می کنند او از سال
 ۱۹۶۴ یا با مخالفت میگرد
 زیرا در این سال قبول کرد
 که بر طیفه ملت کرد با دولت
 عراق همکاری کند و با روابط
 او را با شاه سابق که از سال
 ۱۹۶۱ شروع کرد و شروع
 آن نیز مشهور بود که پارتی
 در جویسان این همکاری
 قرار بگیرد و عیسی فرمان
 یکی از افسران سابقه را به
 بین طالبانی و ساواک باشد
 طالبانی در این توافق که در
 سال ۱۹۶۳ در « هاتون » به
 صورت مشترک با دولت های

گروهی از کردهای پارتی
 که پس از توافق الجزیره در
 ایران با طالبانی همکاری
 در کربلای عراق مخصوص
 و منطقه تریا کربلای کرد
 و رهبران نیز میگردند
 هستند -

چندی قبل فرصت پیش آمد
 با اوسیس و مسوود پارتی
 گفتگو داشته باشیم - کرد
 جای پارتی که اوسیس و
 مسوود پارتی را به بندی مصطفی
 پارتی قبول کردند به طور
 آنها چسبند و نظارتشان را
 میزدند - قول از شروع
 گفتگو - اوسیس پارتی با
 اشاره به انتظاری اسلامی ایران
 گفت: بعضی اینکه شاه سابق
 از ایران رفت ملازمه سیاسی
 پارتی تهیه کرده پارتی
 برگرفته از این مشورت آستانه
 خوبی پارتی تهیه و آماده
 همه گونه کاری با اوسیس پارتی
 ایران را متوجه باشند و متوجه
 هم به صورت آموختند
 و سایر رهبران انقلاب ایران
 فرستاد و نمایندگانی نیز جهت
 دیدار با امام به پایتخت فرستاد
 تا با شاه مرگ فرستند تا
 او در خدمت به انقلاب اسلامی
 ایران باشد - وی افزود ما

چون پارتی این ملت هستیم
 و دولت ایران این کشور
 رسالت نرسیدیم و نوسیدیم -
 کنیم که هر نوع مشکل مردم
 کرد ایران از طریق مذاکره
 صلالت و گفتگو حل شود و
 توضیحاتی که تاریخ اینست که
 کردهای ایران مشکلات خود
 را بر پارتی اطلاع دادیم و از
 طریق صلالت و برابری می
 داشته حل کنند - تا فرسی
 به متعاقب ملت ایران و دشمنان
 کردهای ایران برای موافقت
 بدست نیآورند و هر توافقی
 که در این راه بدست آید به
 وحدت ارضی و ملی ایران کمک
 خواهد کرد -

بضرر ملت کرد توافق کرد - البته قبل از این کفرانی نیز صدام حسین در مادرید بسا کن سیجر مذاکره کرد تا ما همکاری آمریکا جنبش منسی کرد را از بین ببرد به شرط اینکه عراق از اردوگاه بلوک شرق دور شود و شاه و صدام عراقی را خورمیانہ کفک داد.

شاه بارها با خیانت کرد . بارزانی ما گفتند قبل از کفرانی الجزیره که عاشایمانی در این مورد شنیده بودیم چند بار از شاه سابق در باره امکان سازش با عراق سؤال کردیم که مرتب تکذیب کرد ولی وقتی به توافق رسید دمت دسته کرد

های پناهنده کرد را به عراق تحویل داد و حتی یکبار ۵۰ نفر از سران کرد را پس از گرداندن در شهر های اروپا بقتله و آشوبه به عراق تمهیل دادند.

میگویند چرا ملا صدامی بارزانی نام پیکار رفت ؟ چرا رفت ؟ برای اینکه او که برض سلطان مبتلا بود بهرحا میسر جوانت برود دولت ایران بود وقت نیوز شد که ما مریدان بهعین جوت او دچار شد برای معامله به آمریکا بروم و پس از چندی هم که مایل بود به یکی از کشور های انگلیس - سوئد - سوئیس و فرانسه برود دولت های آنها صدور ویزا را موط بهوانفت دولت های ایران و عراق میکردند - بناچار در آمریکا ماند . و شاه سابق قبل از اینکه از ایران برود وسیله اردشیر زاهدی از او خواست که پایتخت برگردد ولی بارزانی به زاهدی گفته بود : وقتی پایتخت برمیگردد که شاه در ایران نشاند و تو عوض نماینده کنی خود و نماینده گان

بارزانی گفت : دولت های ایران و عراق بهوانفت دولت های ایران و عراق میکردند - بناچار در آمریکا ماند . و شاه سابق قبل از اینکه از ایران برود وسیله اردشیر زاهدی از او خواست که پایتخت برگردد ولی بارزانی به زاهدی گفته بود : وقتی پایتخت برمیگردد که شاه در ایران نشاند و تو عوض نماینده کنی خود و نماینده گان بارزانی گفت : دولت های ایران و عراق بهوانفت دولت های ایران و عراق میکردند - بناچار در آمریکا ماند . و شاه سابق قبل از اینکه از ایران برود وسیله اردشیر زاهدی از او خواست که پایتخت برگردد ولی بارزانی به زاهدی گفته بود : وقتی پایتخت برمیگردد که شاه در ایران نشاند و تو عوض نماینده کنی خود و نماینده گان

بارزانی همه گونه آملدگی خود را برای کمک به امام اعلام کرده بود . اندریس و محمود بارزانی در اینجا اضافه کردند که در آنوقت ما هزاران پیش مرگ مسلح در مرز های مشترک ایران - عراق عراق - ترکیه داشتیم و آماده بودیم اگر چنانچه جهاد بر ضد شاه شود اقدام کنیم زیرا شاه بزرگترین خیانتها را در مورد ما نیز مرتکب شده بود .

بارزانی ما گفتند در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ که مصر اسرائیل را مورد حمله قرار داد در روز دوم جنگ شاه به ملا صدامی و بارزانی اطلاع داد که دلتون

های عراقی به پایتخت عراق و تاسیسات نفتی آن حمله خواهد کرد چون فرصت مناسبی است خوب است شاهم در این فرصت به پایگاه های نظامی عراق حمله کنید تا به هدف های خود برسید و اگر این فرصت را از دست بدهید در آینده شیطان خواهد شد ؟ چون ما نسبتا با طنهای مسلحان بستگی داشتیم حمله نکردیم البته قبلا مذاکراتی فنی فاعدی از ما خواسته بود که بخاطر اسلام و بناظر وحدت اعراب مدنی عراق را آرام بکناریم .

پارت دموکرات کردستان بارزانی در مورد پارت دموکرات کردستان گفت : پارت دموکرات کردستان که تشکیل آن در عراق است مربوط به کردهای بارزانی است و در مناطقی آن در عراق میباشد و در مناطقی از مرز عراق و ترکیه و عراق و ایران به فعالیت می پردازد و کیمهائی هم در اروپا دارد و اما حزب دموکرات

کردستان که در مجادلات فعالیت می کند مربوط به ایران است و آنها وجهه کردها روایت دوستانه داریم و مسئولی اقدامات حزب دموکرات کردستان ایران

کردستان که در مجادلات فعالیت می کند مربوط به ایران است و آنها وجهه کردها روایت دوستانه داریم و مسئولی اقدامات حزب دموکرات کردستان ایران

نستیم . اندریس بارزانی در پایان این گفتگو بخیبرنگار ناگفت : ما دوستانی در آمریکا داریم که اطلاع دهنده بارزانی در اردوگاه عراقی در بارزانی دو اثر پاک توطئه که در دستهای ما و شاهک صورت گرفت احجامند زیرا که سابق ارتقاء بارزانی در بین بارزانی های ایران غیر مسلم و کثرت بوده با ازین رفیق او راحتتر می توانیم گروه های کوچک را کنترل کرد .

آیندگان - یکشنبه ۱۷ تیر ۱۳۵۸ - شماره ۲
شماره ۳۳۹۵ - سال دوازدهم

مسعود بارزانی رهبر قیامی موقت شد

مسعود بارزانی به رهبری حزب دموکرات کردستان عراق به قیامه موقت - انتخاب شد . تصمیم به گزینش مسعود بارزانی در پی نشست های چند روزه کمیته مرکزی این حزب گرفته شد .

در نشست های حزب دموکرات کردستان عراق به قیامه موقت - پشتیبانی کامل از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله العظمی خمینی ، آن سوی رهبران این حزب بار دیگر اعلام شد . این حزب تصمیم گرفته که به مبارزه مسلحانه علیه رژیم استبدادی عراق ادامه داند و جنبش آزادیخواه کرد در کردستان عراق را توسعه بدهد .

کردستان که در مجادلات فعالیت می کند مربوط به ایران است و آنها وجهه کردها روایت دوستانه داریم و مسئولی اقدامات حزب دموکرات کردستان ایران

در نشست کردها در عراق چه وضعی دارد:

این جنگ مسلحانه در عراق شروع شده است. هید
قریبان سال گذشته عراق بایک حمله همسایه تمام درگستره
کردستان عراق نزدیک قلمه دیزه و سلیمانیه را با خاک
یکسان کرد و غارهای کرد را به اردوگاههایی در جنوب

عراق تسبیل داشت. ازان موقع ما به کوهستانهای کردستان
برگشته و جنگ را شروع کردیم. الان زن و بچههای ما در
اردوگاههای جنوب عراق نگهداری می شوند و فقط پیش
مرگ ما در شمال کردتان هستند. من خودم پنج سال است
که زن و یک بچم را ندیده ام البته کله هم ندارم چون
می دانم که برای چه می جنگم.

راجع به نحوه حمله عراق باید بگویم که آنها با ۱۴
سی سوپتر توپاز ساخت فرانسه مخصوص جنگ در کوهستان
و ۴۰ هلی کوپتر نفرین به کردها حمله کردند. بعد از خارج
کردن افراد دهانه آنها با تانکهای متفجر می کردند. الان
شما میتوانی نار و ویرانه ها را ببینید. بیش از ۳۰۰۰۰ دهکده
در کردستان راق نابود شده است. دران جنگ ما توانستیم
۳ هلی کوپتر ارتش عراق را سرنگون کنیم و دهها نفر از
سربازان بشی را از بین ببریم. کشف اجساد فراوان سربازان
عراقی روی کوهها با آب شدن برف، شاهد حرف من است.
ما یک انجمن عراقی و دو مهندس مصری و یوگسلاو
را دستگیر کردیم البته الان مهندسها آزاد شده اند و فقط
افسر عراقی را در مقر جلال طالبانی نگهداری می کنند.

من - شما یکی از رهبران کمیته تدارکات پارت
دمکرات کردستان عراق هستید در مورد برنامه های توضیحی
بدهید.

شما نباید کمیته تدارکات پارت دمکرات کردستان را
باحزب دمکرات کردستان که رئیسش ملامصطفی بود اشتباه

کمیته تدارکات پارت دمکرات کردستان تا ۲۰ روز

پیش جز دارو دسته جلال طالبانی بود. اگر با مرور اطلاعاتی
ما و جنین سرپا ایست از آن بشناسیم و بزرگواران
تشکیل دادیم. ما بزرگان تیره سیدیم که نمی توان دوربان
گذشته را نادیده گرفت در گذشته ما با اهل امشمار و ارتجاع
با بره انداختن هو و جنجال و عنوان کردن بجالی بودن و
ملان بودن. یعنی بپرو جلال طالبانی و ملامصطفی بارزانی

خلق کرد را بجان هم می انداختند. قانیا تجربه درگیری
ملامصطفی بارزانی در قیام کردها تا سال ۷۵ نقش طالبانی
را هم آسب پذیر می نماید. چون خود طالبانی مدت ها از طرف
رژیم عراق پشتیبانی می شد و نیز واهی از طرف شاه
ایران اردوگاهی در نزدیک همدان به او واگذار شده بود.

و این نمی تواند از دید ما قابل گذشت باشد. ما فکر می کنیم
که رهبری جلال طالبانی در نهایت به سازش منتهی خواهد
شد دقیقاً همانکاری که ملامصطفی کرد. ولی ما نمی خواهیم
خون شهیدانمان هدر برود ما تا بحال یعنی از قیام ۱۹۶۱
تا امسال ۷۵۰۰۰ کشته داده ایم تا خودمشاری بدست آوریم
ولی ما الان فقط خودمشاری نمی خواهیم ما خواهان ایجاد
یک حکومت دمکراتیک در بغداد هستیم. البته ما الان در
سنتترین شرایط می جنگیم نه پول زیاد داریم و نه چیز دیگر
من - سلاح ها و بودجه جنگ کردها چگونه تامین
می شود؟

ج- در مورد سلاح باید بگویم که ما سال گذشته قبل از
شروع جنگ ۸۰۰ نفر برای یافتن سلاح از خانواده های کرد
به مرز ترکیه فرستادیم البته باکمال تاسف فقط ۷ نفر از
این عده سالم برگشتند و بقیه کشته شدند. سلاح را از
کردهائی که دردهان مقداری اسلحه از جنگ قبل که داشت

بودند گرفته‌ایم و سلاح‌های دیگر را از ارتش عراق به غنیمت می‌گیریم. به این ترتیب که چون اصول جنگ ما پارتیزانی است یعنی به مستدق «مهربان» را بزور و سریع عقب بر کرده ما حمله می‌کنیم بنابراین می‌توانیم با غافلگیر کردن سربازان یعنی سلاح‌های آنها را بدست آوریم ما تا بحال دهها قبضه کلاشینکف و مسلسل ضد هوایی و حتی خمپاره‌انداز بدست آورده‌ایم.

در مورد بودجه باید بگویم که خانواده‌های کرد ذکات خود را بما اختصاص داده‌اند.

س - نظرتان راجع به ایران و وضع کردهای ایرانی چیست. آیا از تباطی هم دارید؟

ج - باید گفت که ایران در زمان شاه به ضرر کردها گذر می‌کرد. بعد از توافق ۱۹۷۵ الجزایر شاه همواره می‌گرفتند که نسبت ما را در عراق با کمک ارتش یعنی نابود سازد حتی زمان پوروش ارتش عراق سربازان ایرانی هم از این طرف ما را به گلوله می‌بندند. حتی ارتش ایران ۲۲

پیش‌مرگت را گرفت و به عراق تحویل داد. ولی الان که در ایران انقلاب شده است ما امیدواریم که کردهای شما هم بتوانند حق خود را بدست آورند. البته ما با هم ارتباط به صورت جدی نداریم و فقط پشتیبانی عاطفی از کردهای

سراسر منطقه می‌کنیم. در عراق وضع ما فرق می‌کند. در اینجا فرهنگ ما را می‌خواهند نابود کنند در زبان کردی چیزی برای ما نمی‌آورند. دانش تعریف از صدام حسین

است. کتابها سراسر فرهنگ حزب بعث و ناسیونالیست افراطی عرب است. البته آنها بپذیر ما حقوق دیگر حقوق ما را نیز نادیده گرفته‌اند بطور مثال در میان جنوب عراق حوضان

پایمال شده است حقوق ۵۰۰ هزار ترکمن در حوالی کرکوک نادیده گرفته شده است. این یک سلسله مسائل خاد سیاسی مطرح است ما از همه احزاب و گروههای مترقی تقاضا داریم که برای ایجاد یک جبهه مترقی در عراق بمانند

کنند. ما از تجربیات انقلاب ایران باید درس بگیریم و یک

انقلاب اساسی و بنیادی در عراق صورت دهیم. رژیم فاشیستی عراق بدون در نظر گرفتن موازین

مشترک بین المللی به سیاست شوه نشستی خود ادامه میدهد. حاکمین کردن اعراب بجای کردها در شمال عراق هنوز هم ادامه دارد. آنها به کوچکترین بهانه اقدام به آزار و اذیت خانواده

های کرد میکنند. بطور مثال پارسال ۶۰ تن کوره در دادگاه نظامی موصل. در یک روز مخاکمه و اعدام شدند چرا که

انقلابی ذکر می‌کردند. از سوی دیگر خانواده‌های آن ۶۰ کرد از طرف دولت

بخش به جنوب تبعید شدند چرا که عضو خانواده‌شان در یک تشکیلات سیاسی و انقلابی کردی عضویت داشت.

اینها همه باعث می‌شود که ما سعی کنیم برای سرتگون کردن رژیم فاشیستی عراق و برای ایجاد و تقسیمین یک حکومت دموکراتیک ملی تمام نیروهای مترقی را گروه هم آوریم

و نیز خود مختاری کردستان عراق را در چهار جوب عراق دموکراتیک تأمین کنیم.

س - نظرتان در مورد کردهای ترکیه دسوزیه چیست؟

ج - کردهای ترکیه از نظر وضع سیاسی در وضع بهتری قرار دارند. آنها مجلس محلی و نماینده و والی دارند و همین دلیل و نشان پیش از وضع ناست است اگرچه

آنها در ملول مبارزاتشان لطیفات فراوانی دیده‌اند کردهای سوزیه هم چون مقداران کمتر است همین ترتیب هنوز

توانا شدند نیروهای مبارز خود را متشکل سازند. وضع آنها هم چندان فرقی با وضع کردهای عراق ندارد.

البته باید بگویم که مسائل کردهای آن مناطق بخودشان مربوط است. ما از جنبش تمام خلق های مبارز جهان پشتیبانی

می‌کنیم ولی نمی‌خواهیم در امور آنها دخالت کنیم انقلاب صادر نمی‌شود باید خودشان اقدام کنند. ما انقلاب کرد را صادر

نمی‌کنیم.

س - نظرتان راجع به شمال آمریکا و شوروی و دیگر کشورهای توسعه طلب در منطقه کردستان چیست؟

ج -

س
ج

چ - امریکا و شوروی و انگلستان بازارها در امور کرد
 ما دخالت کرده اند شوروی بعد از کودتا ما را دستچپ عبدالکریم
 قاسم با حمایت از او برخاست و با دادن سلاح های پیچیده
 به ارتش عراق سعی کرد که انقلاب کرد را سرکوب کند .
 انگلستان نیز در طول تاریخ مبارزات کرد ها بخصوص قبل
 از جنگ دوم جهانی کردها را بصورت چماق دست نگه داشته بود
 تا با مشاهده کوچکترین ناامنی از سوی منک فیصل
 پادشاه عراق بر سر او بکوبد .

امریکا نیز بعد از سال ۱۹۶۶ با کمک شاه ایران و
 اسرائیل بلا مصلحتی بازرانی را خرید و دیدیم که بالاخره
 چنین کردها قربانی توافق الجزایر شد . ما از این پس
 اجازه نخواهیم داد کسی در امور ما مداخله کند و حتی کمک از
 سایر کشورها را هم با وسواس قبول خواهیم کرد .



محمود و ادیب بازرانی پسران ملاسلطی بازرانی

" صاحب‌ها طالبانی "

واقع به فعالیت هایان در
ممنوع کرده . رابطه شما با ما -
مصطفی . مسئله حمایت شما از
رژیم معنی عراق در مقابل قیام
بازرانی و توضیحی بدهید .

من مبارزاتم را در جنبش اکراد
در کنار ملا مصطفی بازرانی و
دیگران شروع کردم ، بازرانی
هم ما بود .

اختلافات در سال ۱۹۶۱ بین
حزب دمکرات کردستان و ملا -
مصطفی بروز کرد . ما در عراق
تشریح دمکرات کردستان داشتیم
این جزو کشته مرکزی بودم که
آزادی ۱۷ عضو بود . اختلافات

بین ۱۸ نفر از اعضای کمیته
بازرانی و ملا مصطفی و یک نفر
دیگر بود و نه این دلیل از هم
پیدا نشود ، ما هم جنگیدیم
در سال ۱۹۶۷ و هم بازرانی کشته
شد . به دولت عراق ما کمک
نکردیم و ما نیز در مقابل از آن
دولت پشتیبانی می کردیم . ساله
اوضاعی بود .

سور - گفته میشود که شما زمانی
در اردو کافر بود فردی که همکار
که از طرف شاه در اختیارات
گزاره شده بود سر میزدید .
نویسنده د رایتمورد بدهید ؟

این مقاله درست نیست
در سال های ۱۹۶۲ که مبارزه
شروع کرد بر علیه قاسم شروع شد
کردهای یک وابستگی به ایران
پیدا کردند و این وابستگی از
سال ۱۹۶۳ به همکاری تبدیل شد .
در سال های ۶۳-۶۴ تعدادی از
پیش مرگها که در ایران سوسی -
مزد در شروع جنگ کردها با دولت
عراق سوسی بازرانی رفتند و با او
متصل شدند و این باعث شد که

در سال ۶۵ رابطه بازرانی با دولت
ایران خوب شود که شما الان
دنبالونده های ساواک می توانید
سابقه این دوستی را ببینید .
سور - نخست کردها در عراق

در چه وضعی است ؟
ت - بعد از توافق شاه و مصدق
حسین در الجزیره در سال
۱۹۷۵ رهبری کرد مسر کردگی
بازرانی تسلیم شده و کردها را
زیر یوغ فاتیست های بغداد
گذاشت و فرار کرد در آن موقع

من و تعداد دیگری از مبارزین
شروع به تهیه مقدمات بر مبارزه
جدید کردیم و فکر کردیم که
این شکست شکست رهبری بود
نه شکست یک جنبش و سایر بخش
دمکراتیک خلق کرد . بنابراین
اتحادیه میهنی کردستان عراق را
تجدید آوردیم . اتحادیه میهنی
کتابه زمان سیاسی انقلاب جبهه های
است . کارش کار حزب نیست
بلکه بشود جبه واحد انارومی
شود . دارای سه شاخه است که
بغرب عبارتند از : شاخه

دمکراتیک و ترقی انقلابی که من
« دوره تحریرین » شاخه « مستم »
شاخه « خورم » « کومه » است که
ماز کمیست لنینیست های کردستان
عراق آن را تشکیل میدهند . سوم
جنبش سوسیالیست است . در طی
یکسال اتحادیه میهنی کردستان
توانست است مبارزه سلطنته را
شروع کند و هزاران پیش مرگ
کرد و در زیر یک برچو گرد
آورد . این اتحادیه برای دفاع
از حق موجودیت خلق کرد و
دمکراسی برای عراق شروع کرد
حمایت کرد و دست راستی پیش از
سابق پیش می رود چرا که انقلاب
ایران تأثیر طبیعی در تقویت

جنبش کردها در عراق داشته
است . شاه منصور یکی از
بزرگترین دشمنان ما بود و از
بشت با خنجر زد . تا این اواخر
هم رژیم ویلوی بهی شیوای علیه
ما کار میکرد البته یکی از این
شیوها بکار بردن یاقیاند

بازرانیها (قبیله موخت) علیه ما
بود . شاه این عده را مسلح
کرد و جنگ ما می فرستاد . او
با دولت و ارتش عراق برای مقابله
بایش مرگ ها همکاری می کرد .

بعلاوه مورد دیگری که بفتح ما
پیش آمده اینست که برادران
شما ما در جنوب عراق تحت تأثیر
انقلاب ایران شروع به مبارزه
علیه رژیم فاتیستی بغداد کرده
است و مورد سوم اینکه حزب
کمونیست عراق هم در اثر بهم
خوردن رابطه اش با دولت پیش
وزیر قنار فرور و اختراق شما
بیست است اینها زمینه خوبی
برای پیشرفت انقلاب کردستان
عراق است .

سور - ترکیبه جبهه میهنی کردستان
در عراق چگونه است . توضیح
بیشتر دارید ؟

ت - گفته که جبهه میهنی کردستان
وجود آمده است شاخه دمکراتیک
ترقی و انقلابی ، شاخه کومه و
بالاخره شاخه سوم جنبش
سوسیالیستی کردستان عراق
است . ما یک کمیته رهبری
تشکیل از ۲۱ عضو داریم از این
عده ۵ تن در دفتر سیاسی انتخاب
میشوند بین مدت اجلاس کمیته
رهبری جنبش را بعهده میگیرد .
ارتباط با انقلاب ایران
سور - مرحله اول انقلاب ایران

یا چگونه می بینید؟ بنظر شما به
تیره رسیده است؟
ج- ما فکر می کنیم که انقلاب
ایران پیروزی بزرگی است در
کام اول رژیم منور پهلوی ازین
وقت سلطنت از بین رفت و رژیم
جمهوری اسلامی بوجود آمد این
خود کام بزرگی به جلوت است و
لطمه بزرگی به امپریالیسم ها
بویژه امپریالیسم آمریکا و
سیونیسم اسرائیل .

انقلاب ایران برای خلق های
خاورمیانه بویژه خلق کرد و خلق
فلسطین کمک بزرگی بود
س- شما با انقلاب کنونی
ایران ارتباط داشتید؟

ج- ما قبل از پیروزی انقلاب
بعد از آن روابط خوبی بارهبر
انقلاب آیتالله خمینی ، جنبه
ملی ایران و نیرو های مترقی و
انقلابی دیگر ایران داشتیم . ما
سابقه همبستگی و وحدت با این
تیر و طاه داریم . در زمانی که امام
در نجف بودند ما نامه نوشتیم و
گفتیم که حاضریم همه گونه کمک
به نهضت انقلابی در ایران هستیم .
بملاوه به میهنس بازگان ،
کریم سنجایی و سایر نیرو های
مترقی و قوی برای آیتالله
شریعتمداری هم نامه ها می فرستادیم
و گفتیم که با همه نیرو ها و
اسکانات خودمان ، بهر شیوه و همه
جور حاضریم همکاری هستیم .
بعد از پیروزی انقلاب هم ما هفتاد و
پهتوران فرستادیم که تیریکان
و اطلاع همبستگی و وحدت مبارزه
ما را با انقلاب ایران به رهبری
انقلاب برساند .

نظر تکمیل راجع به حزب دمکرات
کردستان ایران چیست؟

ج- آن یک حزب ایرانی است
که در داخل ایران کار می کند .

ما با همه نیرو های ملی و همه
نیرو های دمکراتیک از جمله
حزب دمکرات کردستان ایران
احساس وحدت و همبستگی می
کنیم ولی هیچ رابطه ویژه ای با
آن نداریم ولی مثل هر نیروی
دمکراتیک و ملی دیگر در ایران
به آن احترام کاملیم و برای
پیروزی نهایی انقلاب ایران خواهان
وحدت تمام نیرو های دمکراتیک
و مترقی ایران هستیم .

س- بنظر شما حزب دمکرات
کردستان ایران تا چه حد در
برنامه خود موفق بوده است ؟
ج- اینرمانی عواقب میگوئیم .
این قضاوت را کرد های ایرانی
باید بکنند .

نهضت کرد ها در سوریه و ترکیه
س- نهضت کردها در ترکیه
و سوریه چه وضعی دارد ؟

ج- در کردستان ترکیه شاهد
یک جنبش مترقی هستیم در آنجا
نیز کرد های ترکیه مشغول فرام
کردن مقدمات مبارزه برای احقاق
حقوق ملی خود هستند . البته
شیوه کارشان یخودشان مربوط
میشود چون ما در رابطه با پارادان
کرد در سایر کشورها از اصل
عدم دخالت بیرون می کنیم .
مساله همبستگی ما در خاورمیانه
مخصوص کردها نیست ما با همه
نیرو های مترقی رابطه داریم شاید
رابطه ما با بعضی نیرو های مترقی
ترک ، فارس یا عرب باشد .

در باره کرد های سوریه باید
گفت که مبارزه کردها از طریق
این تبلیغات دشمنان خلق مالست
که می خواهند شوروی را محروک
اصولی جنبش کردها در عراق مترقی
کنند . مبارزه ملی کردها را
تاریخ بوجود آورده است . شرایط
عینی اینها را بوجود آورده است .

این در ... است تا سال ۵۸
شوروی از مبارزه خلق کرد علیه
رژیم عراق حمایت می کرد و بعد
از سال ۱۹۵۸ وقتی انقلاب سرور
در عراق به پیروز شد شوروی از
انقلاب عراق پشتیبانی کرد البته
آنها از انقلاب کردها در پشتیبانی
کردند و در سال های اول دستاورد
های ملی و دمکراتیک هم به دست
آوردند . بعد از سال ۱۹۶۱ که
رابطه کرد ها با دولت قاسم بهم
خورد شوروی علیه کردها نبود
احزاب است و این احزاب برای
احقاق حقوق خلق کرد در سوریه
مبارزه می کند این مساله و این
شیوه مبارزه هم یخودشان مربوط
میشود ما خودمان را کدخدای جهانی
نمی کنیم .

س- گفته میشود که باید از خلق
های خاورمیانه و جنگ آنها علیه
منافع امپریالیسم و دولت های
ارتجاعی دست نشانده باندلای ،
امپریالیسم آمریکا در نظر نداشتیم
تحریک و گردآوری افراد
خاورمیانه در زیر یک پرچم کشور
مستقلی تأسیس کند و از این
کشور به نامی خصوصیات ویژه
کردها بتواند دفاع دسته علیه
جنبش خلق های خاورمیانه استفاده
کند . حتی گفته میشود که آمدن
مجدد شما به منطقه کردستان
عراق بی ارتباط با این فلسفه
نیست . توضیحی در این مورد
دازد ؟

ج- من چیزی در این مورد نمی
دانم ولی فکر می کنم که امپریالیسم
آمریکایی گمراه بزرگترین دشمنان
خلق های جهان است از جمله
خلق کرد . دشمنی امپریالیسم
آمریکایی با خلق کرد چندین بار
روشن شده است اولین بار بعد
از جنگ جهانی اول که امپریالیسم

آمریکا برای تقسیم کردستان و از بین بردن حقوق خلق کرد با امپریالیسم انگلیس همکاری کرد. بعد از اینکه جمهوری دمکراتیک کردستان در مهیاد تشکیل شد امریکا با سه سابق ایران و ارتجاعون دیگر خاورمیانه برای سرکوب این بهیضت دمکراتیک و ترقی خواه خلق کرد همکاری کرد بعدها از راه خریدن رهبری ملامتانی بازرانی و گولزندن او مبارزه طولانی خلق کرد در عراق را از بین برد خون هزاران شهیدمان نتیجه بهر وقت .

بنام این امپریالیسم یکی از بزرگترین دشمنان خلق کرد است . با توجه به این نکات من فکر نمی کنم آمریکا در نظر داشته باشد یک کردستان مستقل پس خود یکی از کسانی بودم که در آن جریانات شرکت داشتم. شوروی قبل ۱۹۵۸ به عراق اسلحه ممداد و قش که عراق جمهوری شد به یک دزدی علیه امپریالیسم مدخل گشت و این ساله این بود. البته ما می دانیم که آن شوروی به عراق اسلحه می فرودند سابقا تاسیس کند من فکر می کنم این تدبیر برای تفرقه اندازی در صحنه خلق ها پرداخته شده است ، برای تشویق افکار عمومی خلق های خاورمیانه. سیاست امپریالیسم آمریکا خیلی روشن است . طبق یک گزارش محرمانه که در کنگره آمریکا به طور محرمانه تهیه شده و بعدا منتشر شد . امپریالیسم آمریکا سیاستش این است که کردها در عراق نباید خودمختاری بگیرند . چون این خودمختاری با بیم زدن توطئه های امپریالیسم آمریکا تملیق خواهد شد . بنابر-

این ما نظریه بالا را یک دعوای یک توطئه بزرگ می دانیم . عامل آمریکا در کردستان عراق دارو-دسته بازرانی هستند .

مسئله حمایت شوروی از اکراد

س- نقش شوروی را در باره کردستان چگونه توجیه می کنید؟

ج- من فکر میکنم که شوروی در جنبش کردستان نقش را بعهده نداشته است ، و شاید هم از جنبش کرد حمایت کرده است .

س- ولی حمایت شوروی از کردها فقط قبل از انقلاب ۱۹۵۸ عراق و صرفا علیه ملک فیصل پادشاه عراق طرفدار آمریکا بود و بعد از آن چون رژیم جدید بغداد طرفدار شوروی از آب درآمد، شوروی نیز بلا درنگ کمک به کرد ها را قطع کرد و در مقابل هلی کوپترهای متعلق به جنگ کوهستانی به ارتش عراق دادند یعنی مرگها و شکن حکومت حوادار شوروی بغداد را به سلسل به بندد .

ج- من تفاوت شما را نفوز ندادم این مسئله اینطور نبود . تا سال ۱۹۵۸ شوروی یکی از دوستان ملت کرد بود و هیچوقت نخواست از کردها چاقو بسازد بر سر این یا آن حکومت بزند کردها خودشان برای گرفتن خودمختاری با رژیم عراق مبارزه می کردند . مبارزه خلق یک مبارزه عینی ، یک مبارزه تازماترخی یک مبارزه عادلانه است ، که به سبب بودن استثمار طبقاتی به سبب وجود امپریالیسم و ارتجاع این مسئله بوجود آمده است . هم می فروخت و روابط دولت شوروی با عراق بدنیست . بی این

مسائل بستگی به سیاست بین المللی خود شوروی دارد

س- از شریفی رانالی چه خبر؟

ج- مدتی از ترس ما در بین عراقی اینوروا نور می رفت الان از او خبری نداریم . میگویند در سوئیس است .

آینده کردستان

س- آیا بر روی فکر می کنید که کرد های خاورمیانه سزیر یک پرچم تحت نام کوه کردستان کرد آیند؟

ج- این کار بستگی به آینده دارد . کجا؟ کجا؟ چگونه ازین پرچم کدام دولت کردها جمع شوند شاید آن موضوعی که امام خمینی گفت اگر روزی کشور های مسلمان همه جمع شوند شاید ما کردها همزیر پرچم همان کشور اسلامی جمع شویم . شاید اگر اتحاد جمهوری دمکراتیک خلق های خاورمیانه بوجود آمد کردها باز دیگر نام متحد باشند شاید می دانم و قضا که الان می خواهید خودمختاری به کردستان ایران بدهید اگر شما اینرا دادید در آزادیهای دمکراتیک باقی مانده در ایران گسترش پیدا کرد شاید کردستان ایران قیله گاه کردهای دیگر باشد این ساله روشن نیست و بستگی به آینده دارد .

بنظر ما کرد های هر یک از این کشورها چه در عراق چه در ایران و چه در ترکیه و سوریه باید یا تمام خلق هائی که در خاورمیانه زندگی می کنند همگی مبارزه داشته باشند . چقدر من کردهای ایرانی نباید با سایر خلق های ایران قارس - شرکها بلوچها و عربها وحدت مبارزه

داشته باشند هیستکی داشته
 باشند و علیه امیر یالم و علیه
 باقیمانده رژیم متغور بیلوی و
 علیه ارتجاع و برای ساختن یک
 کشور مترقی و پر از عدالت و
 حقوق دمکراتیک و حقوق ملی
 برنامه‌هایشان را یکی کنند . ما
 کردهای عراق هم می‌خواهیم این
 انقلابی که الان در کردستان
 داریم به انقلاب عراق مبدل کنیم
 مانس‌خواهیم که انقلاب ما یک
 انقلاب کردی باشد ما می‌خواهیم
 انقلاب ما انقلاب عراق بشود ما و
 برادران شیمه در جنوب و سایرین
 در عراق مبارزه می‌کنیم و در
 چهارچوب عراق دمکراتیک حقوق
 خلق ما از جمله خلق کرد را
 برای ایجاد یک حکومت دمکراتیک
 مطرح خواهیم ساخت .
 - مستکرم

حق تعیین سر نوشت برای خلق کسرد و تمام
 خلقهای تحت مستعم در گرو نابودی کامل
 امپریالیسم و وابستگی‌اش می‌باشد

« گوشه های از اقدامات ضد خلقی قیاده موقت »
جماق امیرالیهیم در کردستان

در هر دو صعود بارزانی در صاحبیه با کیهان ادب میکنند که هیچگونه دخالتش در امور ایران ندارند و فقط بمنوان صهمن در اینجا حضور دارند و معتقدند که مسئله کردستان ایران از طریق مذاکره با دولت حل میشود. رشی فحایمی که هر روز در گوشه و کنار منطقه به بار می آید خود دلیل کافی برای رد باوه های آنان می باشد.

این سرسپردگان با امیرالیهیم با نیرنگ خود را حامی حکومت اسلامی دانسته وزیر این پوشش به نفع امیرالیهیم و ارتجاع شدیداً فعالیت مینمایند. در حالیکه دولت و دهقانان زحمتکش و مردم مبارز و سازمانهای انقلابی را تهدید به خلع سلاح مینماید. قیاده موقت و این مزدوران امیرالیهیم منطقاً را سلحانه به جولا نگاه خود تبدیل کرده اند.

حمایت و پشتیبانی فئودالها و مرتجعین و دولت موقت انقلابی برای این سرسپردگان امیرالیهیم چنان امکاناتی را فراهم کرده است که حتی در دوران رژیم متغیر پهلوی از آن بی بهره بودند. اطاعتی نیروهای رزمنده و زحمتکش شهر و روستای کردستان بخوبی ماهیت کثیف این خائنان به خلق کرد عراق را می شناسند.

این مهم نیست که آقای مفتی زاده و طرفدارانش و آقای کریم حسامی عضو رهبری حزب دمکرات کردستان و سایر عناصری که به تحوی و حضور قیاده موقت را در کردستان ایران توجیه کنند.

وقتی از مفتی زاده سؤال میشود (در مجله جوانان) که قیاده موقت در سندج فعالیت دارد یا نه ؟ در جواب میگوید ، گمان نمیکنم — مو اضافه میکند شاید منظور اعلامیه هائی است که این روزها گروههای چپسی منتشر کرده اند مبنی بر اینکه قیاده موقت تلویزیون و پلیس راه را گرفته و یا به گروهی که از مرهوان آمدند که به ارومیه بروند ، تیراندازی کرده اند . اگر چنین است باید عرض کنم که همه اینها شعار است . ولی ما قاطعانه میگوئیم که اینها و ده ها نمونه از اعمال کثیف آنها واقعیت دارد و اعلامیه های منتشره از جانب گروههای چپی در واقع افشای اعمال ننگین آنهاست . ما شعار به آن چیزی میگوئیم که روی دیوارهای شهرها خط درشت نوشته اند " درود بر مفتی زاده و ادریس رهبران جدید قیاده " و " درود بر قیاده موقت ضد کمونیسم " . مفتی زاده آنها را برادران کسرب مستضعف مسلمان پناهنده به ایران که میمانند ما هستند معرفی می نماید . آقای کریم حسامی روز ۶ خرداد همراه هیئت از جانب حزب دمکرات کردستان به همراهی فرمانده زاندارمری و مسعود بارزانی وارد بیرانشهر میشوند . آقای حسامی طی یک سخنرانی برای مردم در حالیکه آنسان را به آرامش دعوت نمود ، برای رفع نگرانی مردم از حضور قیاده موقت گفت : " آنها میمانند ما هستند و ما هیچگونه اختلافی با همدیگر نداریم " . سپس جلسه ای با حضور فرمانده ناحیه " زاندارمری ، فرمانده تیپ بیرانشهر ، مسعود بارزانی ، هیئت اعزامی حزب دمکرات و چند تن از مردم بیرانشهر تشکیل و قرار شد از استانداری خواسته شود که روز پنجشنبه نمایندگان برای رسیدگی به مسائل بیرانشهر بفرستد .

اما در جواب حامیان قیاده ایها باید گفت که اینها مهملتهای ناخوانده‌های هستند که سیزبان را از خانه وکاشانه خود آواره می سازند .

خلق کرد صرانه خواستگار است همچنانکه در قطعنامه های مهاباد و سندج نیز صراحتاً مطرح شده است ، این دستگاه جاسوسی از ایران بر چیده شود .

نگاهی به اعمال و حشیانه قیاده ایها و نمونه هائی که در اینجا ذکر می نمایم برده از ماهیت کیفیت آنها بر خواهد داشت و نشان خواهد داد که آنان باز ماندگان ملا مصطفی بارزانی خود فروش و کرد فروش هستند که با تمام وجود در خدمت امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند . عناصری از رهبری ایران گمان میکنند که قیاده ایها " آدمهای ناسیونالیستی هستند که حتی با بهش ها جنگیدند " . اگر این خیال واقعیت دارد بهتر است هر چه زودتر ایران را ترک نموده ، به سپهن خود بازگردند و همراه با نیروهای انقلابی کرد بر علیه حکومت فاشیستی عراق مبارزه نمایند . اما آنها نه تنها این کار را انجام ندهند ، بلکه به کمک تمامی سر همبرندگان سعسی دارند مبارزات خلقهای منطقه را از مسیر اصلی منحرف نموده و به نابودی یکشانند .

ولی آنها باید بدانند که ممکن است بتوانند برای مدتی جلو حرکت انقلابی خلقها را سد کنند ، اما نیروی لایزال خلقها وقتی بحرکت در آید همه مزدوران را برای همیشه به زباله دانی تاریخ خواهد ریخت . ما اسلام مداریم هرگز ما هرگز با هر گروهی از این مزدوران و غلطین اجرای سیاستهای امپریالیسم حمایت نمایند ، دقیقاً در خلاف جهت منافع کارگران و زحمتکشان کام بر میدارد و نهایتاً جزو نیروهای ضد مردمی به حساب می آید .

ما گوشه ای از عملکردهای قیاده موقت را نشان داده و ماهیت کما کما که از آنها حمایت مینمایند اشاره نمودیم . نا گفته نماند که در تهیه این اخبار از منابع سایر نیروهای انقلابی نیز استفاده شده است .

۱- در مورخه ۵۸/۱/۸ ، ۲۰۰ نفر از افراد مسلح قیاده موقت به روستاهای مرزی مریوان ، اسکول بالا و پائین رسید آوا و بیسه حمله کرده و دهات مزبور را مورد حمله قرار دادند .

۲- روز دوشنبه ۵۸/۱/۲۰ ، صعوبد بارزانی که در عظیمیه کرج زندگی میکند برای شرکت در جهلم ملا مصطفی توسط بنز سیاه رنگ نخست وزیر و تعدادی محافظ که از طرف فرمانده ژاندارمری در اختیار او گذاشته شده بود به فرودگاه مهرآباد میروند تا از آنجا بوسیله هلی کوپتر به ارومیه و از آنجا توسط هلی کوپتر دیگری به اشتریه بروند که بعلت نا مساعد بودن هوای بروز صورت نمیگیرد .

دولت امکانات در اختیار کسی میگذارد که مشخصا نوکر امیرالیم است .

۳- روز جمعه ۲۴ فروردین ماه بهمن "خاب" خسروی یکی از مالکین بزرگ و مرتجع منطقه سلدوز در منزل خود در "حیانه" مهاباتی مفصلی برای صعوبد بارزانی و دیگر سران قیاده موقت ترتیب میدهد . در این مهاباتی تمامی مالکین بزرگ منطقه درهم جمع شده و بر علیه روستائیان نقشه می کشیدند .

۴- عوامل سرسجده و مزدور روز شنبه ۲۵ فروردین عدای از شهرستان نقره به دهات اطراف از جمله عطاالله ، محمد یار . . . ریخته و در منازل را میگویند و اهالی را بیدار کرده و آنها را از هجوم قیاده ایبه آگاه میکنند . البته بعدا معلوم میشود که اینها ایادی قیاده موقت

بودند و فقط قصد ترسانیدن مردم را داشتند .

۶- روز جمعه ۵۸/۱/۲۴ ، نفر از ایادی قیاده موقت بسرپرستی دکتر کمال به بیرانشهر وارد شده و ملاقاتی بین آنها و شیخ گزگسک انجام میگردد .

۶- جلال کمالی زاده رئیس ستاد باصطلاح عطیاتی شورای شهر ، در تاریخ ۵۸/۱/۲۵ بطرف اشنویه حرکت کرده و در روستای صوفیان به محل حزب دسکرات مراجعه کرده و آنجا را تهدید به تخلیه می نماید ، این شخص از مزد یوان قیاده موقت میباشد .

۷- عدای از طرفداران مفتی زاده و قیاده موقتی ها در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین برای مستقر نمودن شهرتانی و زاندارمری مریدان اقدام می نمایند ولی شورای شهر ، اتحادیه بهرستانان ، کانون محصلین ، جامعه معلمین و جامعه زنان با این امر مخالفت میکنند . روز ۵۸/۱/۲۵ در چهارشنبه استنار پلیس و زاندارمری بخش میشود و مردم مخالفت میکنند . آیت الله کرمانی نمایندگه امام میگردد من افراد و طلب را صلح کرده و شهرتانی و زاندارمری را در چهاره دایر میکنم ، اگر میتوانید با آن مقابله کنید .

۸- سنده زیادی از افراد قیاده ای در زلی مستقر شده اند که هدگی صلح می باشند ، در تاریخ ۵۸/۱/۲۷ حدود ۴۰ نفر از آنها در سنندج به پشتیبانی از طرفداران مفتی زاده حضور دارند تا انتخابات به نفع ایشان خاتمه پیدا نماید ، یکی از افراد قیاده که بنا به ادعای خودش ۱۴ سال در خدمت ملا مصطفی جنگیده بود در تصرف تلوزیون شرکت داشت .

۹- افراد قیاده موقت چهارشنبه ۵۸/۲/۵ به کانون محصلین ، اتحادیه

خواستاران خلق و ستاد حفاظتی شهر مریوان حمله میکنند و پس از یک ساعت تیراندازی بدون تلفات به حمله خاتمه میدهند. آنها مصلحان و دانش آموزان مبارز شهر را مرتبا تهدید میکنند و تا بحال چندین نفر را مغرور کرده اند. اینها به کمک خاتبا و افراد مفتی زاده در خارج از شهر جاده ها را کنترل میکنند و جلوی مسافران را میگیرند. آنان دریکی از رستگاهها معلمی بنام حسین پیر، خضرانیان را به شدت مغرور کرده و اموالش را بفارت برده و خانه اش را ویران ساخته اند.

روز ۹ اردیبهشت افراد قیاده عملا اطراف مریوان را محاصره کرده اند و در لحظه احتمال تیراندازی به طرف شهر بیشتر میشود. آنان لیستی شامل ۴۰ نفر از کمونیستها را تهیه کرده اند و آنها را تهدید به مرگ نمودند.

روز ۵۸/۲/۹ ساعت ۱۰ شب هنگامیکه قیاده ایها مریوان را محاصره کرده و ۴۰ نفر از مریوانیهای ضد قیاده و ضد ارتجاع را خواستار میشوند مفتی به دادستان مریوان تلفن کرده و خواستار تسلیم مریوانیها و برجیدن ستاد حفاظت انقلاب اسلامی مریوان میشود و حسین باو پاسخ میدهد که مریوانیها تا پای جان حاضر به نبرد با قیاده ایها هستند. مفتی عنوان میکند، اگر خواسته او در مورد تسلیم رعایت شود به قیاده ایها دستور میدهد محاصره را بشکنند.

۵۸/۲/۸ قیاده ایهای مسترد در زلی به سرکردگی ملا عمیر، معلم آملانه را بنام محمد امین مصطفی سلطان را آنقدر کمک کاری نمودند که در حدود ۱۵ روز بطور گنگی فلج شده بود. از قول ملا عمیر نقل میکنند که گفته است: ما از دولت وقت ایران پول میگیریم تا سلاحهای دهقانان

را جمع آوری کنیم و باز بگفته همین شخص، شیخ عثمان نقشبندی جزو آنهاست*
افراد قیاده موقت و نفرز اهالی مروان را ربوده و با خود بردمانند
که هنوز اطلاعی از آنها در دست نیست.

۵۸/۲/۸ در و نفرز از اتحادیه میهن پرستان کردستان عراق با اسم محمد
کریم و لطیف محمد در سنندج بوسیله افراد مفتی دستگیر و تحویل قیاده
موقت داده میشود. و از آنجا افراد قیاده آنها را به دزلی برده که یکی
از آنها، لطیف محمد فرار میکند و دیگری بدست آنها کشته میشود.
۵۸/۲/۱۱ در اردو دسته قیاده موقت در کوههای ناودار، بین سریل،
کرد و تنگه اسماعیل، مسافری را لخت کرده و آنها را تحت عنوان کمونیست
بودن مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

۱- اتحادیه کشاورزان مروان (به کیه تی جوتیارانی مه مروان) روز
چهارشنبه ۲۱ فروردین کاروانی حامل مواد غذایی برای دهقانان متحصن
در منطقه کمتری ارومیه، از طریق سنندج اعزام داشتند. این کاروان چندین
بار به بهانه های مختلف مورد بازرسی قرار گرفت
حدود ۳۰ کیلومتری سنندج، افراد مفتی زاده و قیاده آنها برهیسری
توفیق علی نظام و هزار مورد حمله مسلحانه فرار گرفتند و پس از ۳ ساعت
تیراندازی ۱۷ نفر از اعضا به کیه تی جوتیاران را بازداشت کرده و سلا
حسبای آنان را ضبط می نمایند. افراد بازداشتی کاروان پس از آزاد شدن
از بازداشتگاه مفتی زاده در سنندج به اعمال مفتی زاده اعتراض کردند و
خواستار تمام سلاحها و پرداخت غرامت خسارتهای وارده شدند.
۱۲ - ۵۸/۲/۱۸ ه هشتاد نفر از افراد مسلح قیاده موقت پس از رانده

شدن از گروه سوروکولیچ در منطقه جلدیان مسکن گزیده و بطور دسته جمعی به دهات اطراف جلدیان رفت و آمد میکنند . طبق گفته مردم چند روز پس از ورودشان به قریه مردم را به مسجد دعوت نموده و به تالیفات فسادگونیستی پرداخته و به اتحادیه میهن پرستان کردستان حمله کردند . امراء قیاده موقت در خانه آنها بده تجمع میکنند و روابط بسیار نزدیکی با این افراد دارد .

۱۲- ۵۸/۸/۲۲ ، عده زیادی از افراد قیاده موقت به ده خوری آباد که ساکنین آن بیشتر از خانهای وابسته به اتحادیه فتوالها میباشد وارد شدند . همچنین عده ای از آنها در منزل عبدالنہ خان شهیدی و دیگر عناصر وابسته به رژیم در شهر مستقر شده اند . حصور قیاده ایها و فتوالها مردم شهر را نگران ساخته است .

۱۳- ۵۸/۲/۲۵ ، در مراسم بزرگداشت روز فلسطین در تهران حدود ۲۰۰۰ نفر از قیاده موقت شرکت داشتند . آنها بنا بدعوت و سفارش دولت شرکت نموده بودند ! ؟

۱۴- در روز ۵۸/۲/۲۸

" سه خانواده اهل نودشه از راه پاوه به عزم دیدار اقوام خود به میوان میروند "

" در بین راه ماشین آنها توسط افراد مسلح قیاده موقت در قریه دران (میوان) متوقف و بازرسی میشود . در داخل ماشین پسر بچه ۱۵ سالنای با يك خنجر "

" پيشاهنگی مشغول پوست کندن خیار بزند . افراد قیاده موقت او را مورد باز "

" جوشی قرار میدهند . قابل توجه است آنها خودشان عراقی هستند و صلح "

" در داخل ایران حضور دارند اما يك بچه ایرانی با يك خنجر پيشاهنگی حد "

"ندار آزادانه عبور کند! در اثر این تعرض‌آنهاى که داخل اتوبوس بود مانند
 "اعتراض میکنند، دعوا در میگیرد مسافری را با تهدید پیاده کرده و آنها را با
 "تفنگ کتک کاری و حتی زخمی میکنند. وقتی یکی از مسافری شدیداً به
 "این عمل آنها اعتراض میکند، مزدوران کتیف خوتخوار، جوابشان را با رگبار
 "مسلح میدهند و در نتیجه ماشین را تپا تپا سوراخ سوراخ کرده و دو نفر دختر
 "باساسی اختر رضائی کلاس پنجم ابتدائی و ماه عذار رضائی کلاس دوم راهنمائی
 "را بقتل میرسانند و قاتلین سه نفر دیگر که افراد خانواده شهدا بوده اند به
 "ناصهای محمد امین رضائی، توفیق رضائی و صحت مؤمن رضائی را دستگیر و به
 "زندان پایگاه خود میبرند. بقیه مسافری همراه اجساد شهدا به نودسه میسر
 "میگردند.

"مردم نودسه به محض دیدن جنازه ها همچون گوی از آتش و خشم و نفرت از
 "مزدوران قیاده موقت به شدت با اعتراض پرداختند و قسم میخورند که صلحانه
 "بدفاع از خود پرداخته و دشمنان خلق کرد و خلقهای ایران را خود سرکوب
 "کرده از ایران بیرونشان کنند. در نتیجه این اقدام نودشعاییهاى ساکنین
 "نوسود شجاعانه به دفاع برخاسته و سه نفر از افراد مزدور را دستگیر کردند.
 "فرماندهان قیاده موقت وقتی چنین دیدند عوامفریبانه توسط مردم دزلی سه
 "نفر کروگان را ساعت ۴ صبح روز ۲۹ / ۲ / ۵۸ به نودسه فرستاده با گروگانهای
 "خود مصمم میکنند. از طرف دیگر نادر شهر به (ناله هورای) از سر
 "کردگان قیاده موقت در منطقه مریوان نامه ای به مردم نودسه نوشته، جریان را
 "سو تفاهم خوانده و تقاضای بخشش میکند، اما مردم دلیر نودسه که این
 "مزدوران را خوب می شناسند، قاطعانه خواستار تحویل قاتلین و اخراج کلیه
 "افراد قیاده موقت از خاک ایران میشوند و اعلام میکنند چنانچه به خواست آنها

- توجه نشود خود مستقیماً صلحانه اقدام خواهند کرد . همچنین اهالی مناطق
- " اطلس " و " ایناخی " نامه ای به پشتیبانی از مردم نودسه نوشته و اعلام
- " میکنند که آنها نیز آماده صلحانه به دفاع پرداخته ، مزدوران قیاده - وقت
- " را تارو طار کنند . همچنین جوانان صابوز نوسود نیز با وجود افرادی مانند
- " که خدا رحیم که خود با قیاده موقت همکاری میکند ، اعلام پشتیبانی کرده و آماده
- " دفاع میشوند . تمام مردم نوسود و نودسه و کمیته های انقلابی پایه و نوسود
- " خواستار اعدام قاتلان شده اند و خواستار آنند که در اعدام قاتلان " قیاده "
- موقت " نباید دخالت کند ، در غیر این صورت آنها به مقابله بر خواهند خاست .
- ۱۵- حدود ساعت ۱۰ شب صدای اسلحه آر ، بی ، جی در مریوان و روستاها ؛
- اطراف شنیده شد (۵۸/۲/۲۵) . بعداً معلوم شد که افراد قیاده موقت
- در روستای " سیا سیوه " در آن طرف مرز به پیش مرگه های یه کبه تن نیشتمان -
- حمله کرده اند و در این حمله ۸ نفر از افراد شان کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شده اند .
- ۱۶- روز ۱۲ خرداد در داخل پادگان جلدیان بر خوردی بین خود " مجا
- هدین پیش می آید که گفته میشود ۴ نفر کشته میشوند . در همان روز مشاهده
- میشود که افراد قیاده موقت بتدریج وارد پادگان میشوند و شایع بود که
- ادریس بارزاتی و عبدالرحمن سامی نیز در پادگان هستند .
- ۱۷- روز ۱۴ خرداد گروهی که از مدتی زاده به هنگام مراجعت از تهران
- استقبال میکردند ، شعارهای درود بر قیاده موقت میدادند ، در این مراسم
- حدود ۱۰۰ نفر صلح نیز حضور داشتند که ۳۰ تن از آنان قیاده های بودند .
- قیاده ایها پس از اتمام مراسم به پادگان رفته و بعد از مدتی به شهر بر
- مگردند و شب را در محل انجمن اسلامی جوانان میگردانند .

۱۸- ۱۴ خرداد ۵۸، امشب ملا عمر و جمال خفاف (هزار) دو نفر از رهبران قیاده در منزل مفتی زاده هستند. مفتی زاده ارتباط مستقیم با قیاده موقت دارد.

۱۹- آیت الله کرمانی مبلغ ۲۵۰ / ۰۰۰ تومان به قیاده ایها کمک نموده و آنها را به حمایت از مفتی زاده دعوت میکند.

۲۰- در تاریخ ۱۳ خرداد ۵۸، یکی از قیاده ایها بنام جوانرود روشنی در بیمارستان قانع بستری میشود، وقتی شخص میشود که این شخص قیاده می باشد، افراد مفتی زاده بخاطر مراقبت از او سلحخانه وارد بیمارستان می شوند و یک شب در آنجا می مانند. سپس کارمندان بیمارستان را تهدید می نمایند و شروع به تیراندازی هوایی میکنند، در مقابل، کارمندان باین عمل اعتراض کرده و بیمارستان را ترک نمیکنند.

۲۱- خرداد ۵۸ (خبر)

عده زیادی از افراد قیاده موقت به منطقه پیرانشهر و اشنویه آمده و روستاهای اطراف بختر شده اند. این افراد گویا از عراق و سوریه آمده اند و تعداد آنها جمعا به ۲۰۰ نفر میرسد، اینها هگی مسلح هستند. اینها به خانه روستائیان رفته و مخارت زندگی خود را بگردن روستائیان که خود به سختی زندگی میکنند، میاندازند. گفته میشود که عده زیادی از همین قیاده ایها در کوههای اطراف پیرانشهر در نزدیکی مرز مستقر هستند.

۲۲- ۱۸ خرداد ۵۸، فردی باشم لطیف شیخ الاسلامی که قبلا نماینده شورای شه ساخته (ملی) بوده، خانه خود را به افراد قیاده موقت واگذار کرده تا این دوازدهم مرد مر از خانه وی بعنوان ستاد خود در میوان استفاده نمایند.

۲۳- در کدرانسی که توسط عدای از فتودالهای مرتجع و روحانی نمایان در تاریخ ۲۰ خرداد ۵۸ برگزار شد، چندین بار شعار درود بر قیاده موقت داده شد و از ملا مصطفی بارزانی خائن تجلیل شد.

۲۴- رؤسای قیاده موقت از جمله ادیب بارزانی از تاریخ ۲۸/۲/۵۸ در منزل ^{خانه} صمت زوزا (یکی از فتودالهای بانفوذ منطقه) با گروهی از فتودالهای منطقه تشکیل جلسه دادند، علاوه بر فتودالهای روحانی که پیشنهاد فریه سینگان و همچنین سید عزیز گیلانی زاده در این جلسه شرکت کردند.

۲۵- از روز ۲۷ خرداد، افراد پادگان پیرانشهر جاده را تحت کنترل خود در آورده و کسانی را که اسلحه حمل کنند، دستگیر می نمایند. اما دارو دسته قیاده موقت که مسلح به انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین هستند، از این امر مستثنی هستند. ما خیال راحت منطقه را جولانگاه خود کرده اند. این افراد در زبان رژیم منقور سهلوی ^{این همه آزادی عیب نداشتند.}

۲۶- سر لشکر زهیر نژاد فرمانده لشکر پادگان ارومیه، سرگرد بهادری را نزد اسماعیل آقا اشتهیه ای می فرستد تا این شخص ترتیب ملاقات سرگرد بهادری را با ملازم محمد فرمانده قیادهای مستقر در منطقه پیرانشهر بدهد. که منظور از این ملاقات تصمیم گیری درباره همکاری ارتش با قیادهایها می باشد. ملازم محمد، سمعود بارزانی را در جریان این ملاقات فرا ر داده و با گرفتن دستورات لازم قرار میدهد که پیش زهیر نژاد برود و این توافق سابق را تا رسیدن سمعود عقب میا تا ازند. از جمله مواردی که سمعود به ملازم محمد تاکید کرده این نکته است که "جریکهای فدائی خلق" از سر سخت ترین دشمنان قیاده موقت در منطقه می باشند.

۲۷- روز ۲۵ / ۵۸ / در منزل محمد امین بیگ فتودالهای منطقه جمع

شده بودند تا در موارد اتحاد نشود آنها صحبت کنند . مسئله مورد بحث خلع سلاح دهقانان و مردم منطقه بوده است .
گنجا قرار است عبدالوهاب نماینده قیاده موقت که در قم مذاکراتی انجام داده و طبق الحلاج واصله وظیفه خلع سلاح منطقه را به عهده گرفته است . یکی از انتخاب شرکت کننده در این جلسه را میتوان "حسن خان" مالک رزاره ، نام برد

• ضمناً خبر میرسد که ... نفر

از افراد قیاده موقت سلاح به اجتماع یا وه خواهند رفت .

۲۸ - جنبدی بیخ عبدالله قادری نشود از جنایتکار جلدیان که از همکاران و دوستان صمیمی تیمسار صیادیان جنایتکار، رئیس سابق ساواک غرب کشمیر می باشد ، از ملا حسینی و فرمانده لشکر ارومیه تمهیدات یک صد قبضه اسلحه برونحوصلی گیرد . مردم چون این خائن را می شناسختند به این عمل اعتراض میکنند . عبدالله قادری با سمعود بازارانی تماس میگیرد و موضوع را با او در میان میگذارد ، سمعود به او قول میدهد تا جان در بدن افراد قیاده موقت باقی است ، از او حمایت خواهند کرد زیرا گنجه هیچ وجه صلاح نیست گفته سلاحهای او به دست دهقانان بیایند ! در همین رابطه بود که ۳۰ نفر از افراد قیادهای سلاح به انواع مسلسل ، آر . پی ، جی و تفنگهای دوربرد عازم جلدیان میشوند . ۲۹ - ۸/۴/۱۳۰۸ از بیرانشهر خبر میرسد که

ساعت ۱۰ بعد از ظهر ۵ نفر از افراد مسلح قیاده موقت در داخل کارخانه قند مستقر بودند در این ساعت دیده شده است که ۱۶ ماشین حامل افراد قیاده موقت و ۱۰ تن این افراد (شکاک) وارد پادگان بیرانشهر شدند .

۳۰ - اول فروردین ۱۳۵۸ جسد دکتر هاشم احمدزاده استاده دانشگاه ارومیه که بر اثر اصابت گلوله کشته شده بود در منزلش پیدا میشود. تحقیقاتی که بعداً توسط هیئت اعزامی جمعیت حقوقدانان و جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر و سا زمان طوسی دانشگاهیان بعمل آمد نشان داد که قیادهایها در قتل دست داشته‌اند.

۳۱ - دو معلم باسای عبدالله نودیپتان و همایین گدازگر در تاریخ ۱/۱۳ ضرر و مجروح میشوند، همچنین رشید نیروزی بعد از بازرسی خانه‌اش مورد ضرب و شتم قرار میگیرد (تاریخ ۵۸/۱/۱۹)

۳۲ - اخیراً رهبر فرقه (خص) کرکوک محمد محمود عبدالرحمن جاسوسی سازمان سیا آمریکا را مامور کرد تا ۱۱/۰۰۰ دینار عراقی - حدود ۲۴۰ هزار تومان - بین قیادهایها و ساواکیهای فراری و جاسوسان بمش تقسیم نماید.

۳۳ - قیاده موقت با پالیزیان و ساواکیهای فراری در منطقه سردار جاف رابطه داشته و از سازمان امنیت عراق کمک میگیرد.

۳۴ - اخیراً یکی از سران قیاده موقت بنام "هیندرین" که به ناصح مشهور است هر چند وقت یکبار یا هواپیماهای کرایهای از کرج به سنندج آمده و به مریوان میرود تا پایگاه قیادهایها را مورد بازدید قرار دهد. این شخص اخیراً با عده‌ای از بازاریان تماس برقرار کرده و به توافق رسیده‌اند که قیادهایها بطور رسمی در مریوان مستقر شوند.

۳۵ - در عصر روز دوشنبه ۵۸/۴/۴ ادریس بارزانی بین راه اشنویه و جلدیان در حال سخنرانی دیده شده است.

هموطنان مارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به ستاد ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران "شاخه کردستان"، واقع در خیابان عزیز یوسفی (پهلوی سابق) مهاباد و دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سنندج، واقع در سنندج - خیابان ارانی (ادب سابق) ارسال نمائید.

شماره حساب بانکی شاخه کردستان ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران
۶۹۲۹ - بانک ملی شعبه مرکز مهاباد

شماره حساب بانکی دفتر هواداران ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران
سنندج
۸۰۷۶ - بانک ملی شعبه سنندج

مرکز نشر امیر جالبیسم و وابستگی‌ها

اشارات :

سازمان چسب‌های فدائی خلق ایران - شاه‌گردستان

تکلیف از سازمان دانشجویان پیشگام برلین غربی
(عضو کنفدراسیون جهانی)

تاریخ ۰۸/۴/۲۴